

فرهنگ مدیریتی قرآن

QUR'AN MANAGEMENT CULTURE



دفتر امور فرهنگی و دینی شرکت آبفای استان اصفهان

چکیده

مقاله حاضر نظریه فرهنگ مدیریتی قرآن را مطرح و تلاش می کند زمینه ورود اثربخش آموزه های قرآنی در متن زندگی سازمانی و فرآیندهای مدیریتی را با رویکردی علمی، فراهم کند و مسأله حیاتی جدیدی را پیش روی اندیشمندان حوزه سازمان و مدیریت و صاحب نظران علوم قرآنی قرار دهد. نگارنده با تأکید بر عظمت وجودی و تبیین نیازهای مدیریتی و هدایتی انسان، به گستره مطالعاتی قرآن اشاره و تبیین و اثبات فرهنگ مدیریتی قرآن را با مطرح می کند و در ادامه با مروری به تاریخچه و سیر تطور اندیشه فرهنگ مدیریتی قرآن، شاخص های مدیریت و رهبری قرآن و جلوه هایی از نفوذ و اثربخشی مدیریت آموزه های وحیانی را معرفی می نماید. سپس با تبیین کوتاه از چیستی موضوع، پیش نیازهای نظریه اعجاز مدیریتی قرآن، رویکرد اصلی و فرضیه های نظریه یاد شده را ارائه می کند.

واژه های کلیدی:

قرآن (QURAN)، مدیریت (MANAGEMENT)، فرهنگ مدیریتی (MANAGERIAL MIRACLE)، (MANAGEMENT CULTURE)، اعجاز مدیریتی

مقدمه

قرآن اعجاز جاوید پیامبر اسلام (ص) در ابعاد مختلف ادبی، تشریحی، علمی و... است. در عصر حاضر ابعاد دیگری از قرآن مثل ابعاد اقتصادی و تربیتی مطرح شده و این مقاله ابعاد مدیریتی را مطرح می سازد.

عظمت وجودی انسان

قرآن کریم انسان را موجودی آسمانی - زمینی و وابسته به غنی بالذات می شناسد. انسان جامع همه عالم ها و همه عوالم سایه او شمرده می شوند (خمینی، شرح دعای سحر، ص ۱۲۱، ۱۳۸۱) و به این خاطر از او به «کون جامع» تعبیر شده است. این موجود ملکی - ملکوتی، مقصود اصلی و اولی از همه عوالم است و اسرار الهیه و معارف حقیقه به واسطه او ظاهر می شود. او با انجام فرائض و نوافل، سمع و بصر حق و واسطه بین حق و خلق می شود (خوارزمی، ج ۱، ص ۶۶). (تکوین انسان از نگاه قرآن سه مرحله «علمیت»، «شیئیت» و «عینیت» دارد (جوادی آملی، حق و تکلیف در اسلام، ص ۸۰). انسان در اولین مرحله وجودی (علم الهی (تنها وجود علمی دارد و اثری از او در خارج نیست؛ «وَقَدْ خَلَقْتَك مِنْ قَبْلُ وَلَمْ تَكُ شَيْئًا» (مریم / ۹). سپس از آن مرحله تنزل می کند و به «شیئیت» رسید؛ هر چند شیء نا چیز و غیر قابل ذکری بود؛ «هَلْ أُنَبِّئُكَ أَنَّ الْإِنْسَانَ حِينَ مِنَ الدَّهْرِ لَمْ يَكُنْ شَيْئًا مَذْكُورًا» (انسان . 1) / در همین مرحله است که قرآن حکیم به پدرها و مادرها می گوید: کار شما خلق فرزند نیست؛ بلکه «امناء» و نقل منی از جایی به جای دیگر است، «أَفَرَأَيْتُمْ مَا تُمْنُونَ أَأَنْتُمْ تَخْلُقُونَهُ أَمْ نَحْنُ الْخَالِقُونَ» (واقع، ۵۸-۵۹). آیه ۱۴ از سوره مؤمنون نیز به مرحله سوم اشاره دارد که طبق آن انسان در عالم خارج تحقق پیدا می کند، «ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ».

انسان از نگاه قرآن، سه مرتبه وجودی دارد قرآن از لایه «خود حیوانی» که در شهوت و غضب و برخی از آرزوها و امیال نفسانی خلاصه می شود، این گونه یاد می کند: «وَالَّذِينَ كَفَرُوا يَتَمَتَّعُونَ وَيَأْكُلُونَ كَمَا تَأْكُلُ الْأَنْعَامُ» (محمد / ۱۲). در آیه ای دیگر خطاب به پیامبر (ص) می فرماید: «ذَرَهُمْ يَأْكُلُوا وَيَتَمَتَّعُوا وَيَبْهَهُمُ الْأَمَلُ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ» (حجر / ۳)؛ «رهایشان ساز تا بخورند و بهره گیرند و آرزو [ها] سرگرمشان سازد؛ پس به زودی خواهند دانست.» انسان براساس آموزه های آسمانی در مرتبه «خودانسانی»، صاحب مقام تفکر، تعقل،

عزم و اراده است و رسالت شکوفایی و بهره مندی حداکثری از آن را دارد. اراده در ساختار شخصیت انسانی نقش کلیدی دارد و باید تعدیل شود؛ زیرا انسان می تواند با عزمی نیرومند، مصالح خویش را بر امیال مقدم بدارد و به سیر کمالی سرعت دهد و بدین خاطر «متحرک بالاراده»؛ نه «متحرک بالمیل» «نامیده می شود. در قرآن کریم، آیات زیادی به این مرتبه از وجود انسانی اشاره دارد، مانند: «إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ» «نحل / ۱۱»؛ «وَمِنْ آيَاتِهِ يُرِيكُمْ الْبُرُوقَ خَوْفًا وَطَمَعًا وَيُنزِلُ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَيُحْيِي بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ» «روم / ۲۴»؛ «قَدْ فَصَّلْنَا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ لِّقَوْمٍ يَفْقَهُونَ» «انعام / ۹۸».

بعد سوم از مراتب وجودی انسان که برترین خود او است، «خود خود خود انسان» است که متعلق به خودش نیست و انسان متعارف نسبت به آن امانت دار الهی است. به این بعد در سوره اسراء اشاره شده است. با این توضیح که، خداوند از رسیدگی به حساب و مورد سؤال بودن گوش، چشم و دل خبر می دهد». «وَلَاتَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ كُلُّهُمَا لَأُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا» «اسراء / ۳۶». برای این اساس در نهان نهان انسان و در قلب قلب او موجود شریف دیگری هست و امامت «فؤاد» و زعامت قلب او در اختیار همان ودیعه مستور الهی است و این همان «خود الهی» و لایه برین انسان ناشناخته است.

حیطه حیات آدمی به دنیا و زندگی دنیوی او محدود نمی شود؛ بلکه زندگی مادی آغاز سیر زندگی اوست و مرگ انتقال از نشئه ظاهری ملکی به نشئه باطنی و ملکوتی است. قرآن کریم می فرماید: «يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَىٰ رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلَاقِيهِ» «انشقاق / ۶».

منظور آیه این است که ای انسان! تو موجودی ابدی هستی و هرگز نابود نمی شوی . وقتی انسان ابدی بود و حیطه حیات او به عالم ماده محدود نشد، کارها و رفتارهای او هم باید بر اساس همین عقیده تنظیم شود و نظام رفتاری، مدیریتی، حقوقی اش در

همین راستا جهت دهی و تدوین گردد. در مناجات شعبانیه اوج عروج واقعی انسان این گونه به تصویر کشیده شده است:

«الهی هب لی کمال الانقطاع الیک وأنر ابصار قلوبنا بضیاء نظرها الیک حتی تخرق أبصار القلوب حجب النور فتصل الی معدن العظمه.»

رسیدن به چنین مقامی، تنها با جمع بین حقوق و تکالیف متقابل و تأمین نیازهای هدایتی انسان ممکن است (ابن طاووس، اقبال الاعمال، ص ۱۹۹).

حیاتی ترین رسالت ما در این دوران کوشش برای یافتن بهترین ساز و کارهای تلفیق آرمان های اعلاى بشری و پیشرفت های ماشینی است. این اصل که «بشر رسالتی کهنه نشدنی دارد» حقیقتی است که از ماهیت انسان سر بر می آورد و در گفتار، کردار و اندیشه او گسترده می شود. رسالت انسانی اساسی ترین و نیرومندترین محرک او در گذرگاه تاریخ بوده است و نوع بشر از آغاز زندگی رسمی و بررسی پذیرش تا امروز، عقاید، کارها، اندیشه ها و آرزوهای روشنی در باره آرمان هایی که باید آن ها را به دست بیاورد، داشته است و این فعالیت های عقیدتی، فکری و عملی به عنوان یک بعد اساسی در برابر بعد «طبیعی محض» که کوشش های متنوع درباره به دست آوردن و تنظیم زندگی معمولی است، می باشد (جعفری، ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، ج ۱، ص ۸ - ۴). روح انسان با شکوفا شدن ابعاد عمیق اش، از مجموعه متشکل الاجزاء و روابط طبیعت، روزنه های پرفروغی به عالم بالاتر از طبیعت می گشاید و با شعاع عظمت الهی، رابطه برقرار می کند و انسان تنها با این رابطه است که اجزای هستی را چون حباب هایی محدود در اقیانوس بی کران مشیت خدا در می یابد، «قُلْ لَوْ كَانَ الْبَحْرُ مِدَادًا لِكَلِمَاتِ رَبِّي لَنَفِدَ الْبَحْرُ قَبْلَ أَنْ تَنفَدَ كَلِمَاتُ رَبِّي» «کَهف / ۱۰۹»؛ «وَلَوْ أَنَّمَا فِي الْأَرْضِ مِنْ شَجَرَةٍ أَقْلَامٌ وَالْبَحْرُ يَمُدُّهُ مِنْ بَعْدِهِ سَبْعَةُ أَبْحُرٍ مَا نَفِدَتْ كَلِمَاتُ اللَّهِ» «لقمان / ۲۷» (جعفری، همان، ج ۱، ص ۲۵).

نیازهای مدیریتی و هدایتی انسان

انسان، به عنوان خلیفه الهی، در مسیر هدایت و رسیدن به کمال، نیازمند راهنمایی و روشنگری خدای سبحان است، اما توان پاسخ گویی عقل برای تأمین نیازهای هدایتی او کفایت نمی کند؛ زیرا در مجموعه آموزه های وحیانی، حقایقی نهفته است که انسان بدون کمک وحی، توان رسیدن به آن ها را ندارد». وَأَنْزَلَ اللَّهُ عَلَيْكَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَعَلَّمَكَ مَا لَمْ تَكُن تَعْلَمُ وَكَانَ فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكَ عَظِيمًا «نساء. 113/ مرجعیت قرآن کریم برای پاسخ به همه نیازهای هدایتی بشر، مسلم و مورد اتفاق مفسران عامه و خاصه است. خداوند سبحان قرآن کریم را روشنگر هر چیزی معرفی می کند که می تواند در مسیر هدایت و رسیدن انسان به کمال و سعادت قرار بگیرد. «وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً وَبُشْرَى لِلْمُسْلِمِينَ»، (نحل / ۸۹).

هدایت، رهبری، مدیریت و مجموعه مسایل پیرامون آن ها، بخش عمده ای از نیازهای هدایتی انسان [۱] در زندگی فردی و اجتماعی اند که اهمیت و گستره آن، در هر دوره از زندگی نسبت به دوره های قبل آشکارتر شده است؛ زیرا برای شکوفایی ظرفیت های فطری و ظهور جلوه های خداگونگی انسان، راهی جز حضور آگاهانه، آزادانه و متعهدانه تک تک افراد بشر در عرصه های مختلف حیات اجتماعی وجود ندارد و تشکیل زندگی اجتماعی، تنها با ایجاد شبکه روابط انسانی در قالب نهادها و سازمان ها ممکن است؛ چنان که تاریخ حیات اجتماعی بشر و سیر دگرگونی و تحول جامعه ها، سندی روشن و دلیلی آشکار بر این مدعا است. اساسی ترین عنصری که انسان را از غیر انسان جدا می کند، «باید بشود» است که ناب ترین ویژگی آدمی است. اگر عمر همه جهان هستی میلیاردها میلیارد برابر عمر واقعی اش باشد، هیچ روزی فرا نخواهد رسید که یک جزء از این جهان (غیر انسان) یا کل مجموع هستی، آگاهانه و از روی احساس آزادی، جریانی به عنوان «باید بشوم» داشته باشد (جعفری، همان، ج ۱، ص ۳۵).

آموزه های وحیانی و تعلیم و تزکیه انسان در سایه تعالیم آسمانی ، مطمئن ترین مسیر تبیین و ترسیم بایسته های حیات فردی و اجتماعی انسان است.

گونه شناسی مطالعات مدیریتی قرآن

پژوهش های قرآنی با نگاه مدیریتی برای کشف و تبیین مسایل و موضوع های مدیریتی قرآن و پاسخ به نیازها و پرسش های مربوط، گستره متنوع و متفاوتی دارد. قرآن پژوهی با رویکرد مدیریتی را می توان بر اساس جهت گیری محقق، روش تحقیق، موضوع و مسایل پژوهش، در محورهای چهارگانه زیر طبقه بندی کرده و سازمان داد.

1. تفسیر تربیتی قرآن با جهت گیری استنباط و استخراج پیام های مدیریتی از آیه های قرآن [۲]

محقق در این نوع از پژوهش قرآنی تلاش می کند آیه ها را به ترتیب سوره ها و بر اساس اصول، مبانی، قواعد و ضوابط صحیح، تفسیر کند، آن گاه پیام های مدیریتی آیه ها را (در صورت امکان) استخراج و تبیین کند، سپس مجموعه این پیام ها را به تفکیک هر یک از سوره ها و بر اساس ساختار موضوع های دانش مدیریت، سازمان دهد. محقق با برقراری ارتباط بین پیام های مدیریتی همه سوره ها، «شبهه پیام های مدیریتی» قرآن را طراحی می کند و در گام بعدی می گوشت مقدمه های نظریه پردازی و نظام سازی مدیریتی به تناسب نیازها و مشکلات جامعه را فراهم آورد تا از این راه، علاوه بر فراهم شدن زمینه های رویارویی علمی با مکاتب و اندیشه های رقیب، وجوه امتیاز و برجستگی های نظام مدیریتی قرآن کریم را آشکار سازد.

2. تفسیر موضوعی قرآن با تمرکز بر موضوع های مدیریتی

این رویکرد از قرآن پژوهی به دو شیوه انجام می پذیرد. الف. محقق مسایل و موضوع های مدیریت (اعم از مسایل و موضوعات دانش یا مسایل و موضوعاتی که مدیران در عمل با آن روبه رو می شوند) را بر اساس ساختار علمی موضوعات و در چارچوبی روشمند به قرآن عرضه می کند و با رعایت ضوابط و قواعد تفسیر صحیح، پاسخ های قرآنی را کشف و تبیین می کند. ب. محقق مسایل و موضوع های مدیریتی را از خود قرآن استخراج می کند و پس از طبقه بندی و ایجاد نظام علمی موضوع ها، آیه های ناظر به هر یک از آن ها را شناسایی و تعیین می کند، آن گاه، به تفسیر آیه ها و کشف و تبیین پاسخ های قرآنی مشغول می شود. برداشت های تفسیری و استنباط های علمی محقق از مجموع آیات ناظر به هر یک از موضوعات و مسایل، مجموعه ای از گزاره ها را تشکیل می دهد که بر اساس آن، مبانی، اصول، قواعد و شیوه های مدیریتی قرآن، استنباط و تبیین می شود و مقدمات نظریه پردازی و نظام سازی مدیریتی بر اساس آیات قرآن و زمینه های رویارویی علمی با اندیشه ها و مکاتب رقیب، فراهم می آید.

تاریخچه و سیر دگرگونی اندیشه اعجاز قرآن

اعجاز و معجزه از اصطلاح های کلامی و به معنای امری خارق العاده همراه با تحدی و سالم از معارضه است و خداوند آن را به دست پیامبرش پدید می آورد تا نشان راستی رسالت وی باشد. (المحصل، ص ۴۸۹)؛ (کشف الفوائد، ص ۲۷۱)؛ (المواقف، ص ۳۳۹). اصطلاح معجزه و اعجاز به این معنا در قرآن کریم به کار نرفته است؛ اما معجزه بودن قرآن کریم با الفاظی مانند: بینه و آیه «اعراف / ۷، ۷۳، ۱۰۶»، برهان «قصص / ۲۸، ۳۲»، سلطان «ابراهیم / ۱۱، ۱۴»، بصیرت «انعام / ۱۰۴، ۶» و شیء مبین «شعراء / ۲۶، ۳۰» بیان شده است. واژه معجزه در معنای مصطلح آن، برای نخستین بار در اواخر قرن اول هجری در کلامی از امام سجاد(ع) «مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۱،

ص ۷۱» به کار رفت. بحث درباره اعجاز قرآن کریم به عنوان متنی مقدس که از سوی خداوند نازل شده و بشر قدرت آفریدن متنی مانند آن را ندارد، به زمان نزول آن باز می‌گردد و در خود قرآن کریم، در ضمن «آیات تحدی»، به آن تصریح شده است. به اعتقاد دانشمندان، هر امر خارق العاده ای معجزه نیست؛ بلکه زمانی معجزه است که:

- 1- مدعی پیامبری آن کار خارق العاده را شاهد صدق ادعای خود معرفی کند.
- 2- مخاطبان را به هم‌آوردی و معارضه فرا خواند.
- 3- مخاطبان انگیزه معارضه داشته باشند.
- 4- از معارضه سالم بماند (قرطبی، تفسیر، ج ۱، ص ۵۰ و ۵۱).

بحث اعجاز قرآن به قرن دوم هجری و پس از شیخ معتزله، واصل بن عطا، (م. ۱۳۱ ق) برمی‌گردد. نظام معتزلی با ردّ اعجاز در نظم و تألیف قرآن، خبرهای غیبی قرآن را جنبه ای از اعجاز آن معرفی کرد. (مقالات الاسلامیین، ج ۱، ص ۳۲۱). (پس از وی جاحظ با نگارش کتاب نظم القرآن، از نظریه «اعجاز در نظم قرآن» دفاع کرد و محمد بن زید واسطی در آغاز قرن چهارم، نظریه نظم قرآن جاحظ را ادامه داد (مباحث فی اعجاز القرآن، ص ۴۱؛ اعجاز القرآن، رافعی، ص ۲۷؛ الکشاف، زمخشری، ج ۱، ص ۲). در همین قرن ابوهاشم جبایی به مخالفت شدید با نظریه نظم قرآن برخاست و فصاحت را معیار اعجاز قرآن معرفی و آن را به روانی واژگان و نیکویی معنا تفسیر کرد. وی با طرح نبود اختلاف میان آیات قرآن، جنبه دیگری از اعجاز را ارایه نمود. در نیمه دوم قرن چهارم، رمانی با تبیین ویژگی های بلاغی قرآن، اعجاز در بلاغت را برجسته کرد. خطابی دانشمند معاصر رمانی نیز با تأکید بر اعجاز در بلاغت قرآن، تأثیر گذاری آیات بر جان مخاطبان را وجه دیگری از اعجاز قرآن شمرد که پس از وی عنوان «اعجاز تأثیری» به خود گرفت (زرقانی، مناهل العرفان، ج ۲، ص ۲۸۴). باقلانی در آغاز قرن پنجم، ارائه معارفی بلند در قرآن کریم از پیامبری امّی را عنوانی دیگر از وجوه اعجاز قرآن شمرد. از آن پس تا قرن سیزدهم هجری نظریه جدیدی در بحث اعجاز قرآن ارائه نشد. در دوره معاصر نیز، قرآن پژوهان با پذیرش بدیهی بودن

اصل اعجاز قرآن و دوری از مجادله های کلامی، تحلیل و تبیین وجوه مختلف اعجاز قرآن را مورد تأکید قرار داده اند و اعجاز در تشریحات و اعجاز آهنگ و موسیقی برخاسته از نظم الهی کلمات قرآن را نیز از دیگر وجوه اعجاز دانسته اند. (تفسیر ماوردی، ج ۱، ص ۳۳-۳۰؛ التسهیل، ج ۱، ص ۱۴؛ زرکشی، البرهان فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۲۳۹-۲۲۶).

اسرار علمی و شگفتی های جهان طبیعت که در بسیاری از آیات قرآن کریم تصریح یا اشاره شده است، سرآغاز بحث های علمی فراوان قرار گرفت و دانشمندان و قرآن پژوهان زیادی را به خود مشغول کرد. برخی هم چون غزالی در جواهر القرآن و احیاء العلوم با این اعتقاد که همه علوم و معارف بشری در قرآن هست تلاش های زیادی را برای استخراج دانش ها از قرآن تحمل کردند و دچار نأویل، تطبیق، تحمیل یا تفسیر به رأی شدند. بعضی دیگر مانند ذهبی، امین بکری و عبدالسلام عبدالمجید محتسب، استخراج علوم از آیات قرآن را هدف تفسیر علمی خواندند و بعضی دیگر مانند احمد عمر ابوحجر و فهد بن عبدالرحمن رومی، اثبات اعجاز قرآن و کشف سرّی از اسرار اعجازی آن را غایت و غرض تفسیر علمی شمردند. نظریه اعجاز علمی قرآن که از دست آوردهای تفسیر علمی است، برای نخستین بار، از سوی رشیدرضا در المنار (رشیدرضا، تفسیر المنار، ج ۱، ص ۲۱۰-۲۱۳) و سپس طنطاوی در جواهر القرآن که رویکردی بی سابقه به کشفیات علوم تجربی در زمینه های مختلف و تطبیق آن ها بر قرآن کریم داشتند، مطرح شد. این وجه از اعجاز قرآن، با استقبال گسترده دانشمندان اسلامی روبه رو شد و تاکنون آثار فراوانی درباره آن تألیف شده است. در دهه های اخیر «نظریه نظم ریاضی قرآن» و «اعجاز عددی» نیز، از سوی رشاد خلیفه (پژوهش گر مصری با دکترای بیوشیمی) به عنوان یکی از زیرشاخه های اعجاز علمی به دایره وجوه اعجاز قرآن افزوده شد؛ البته تلاش هایی نیز برای تبیین و اثبات اعجاز اقتصادی و اعجاز تربیتی قرآن انجام گرفته است و ادامه دارد؛ اما در خصوص اعجاز مدیریتی

قرآن، هنوز بحثی مطرح نشده و برای اولین بار در این پژوهش تلاش می شود مباحثی روشنند و مستند پیرامون آن ارائه شود.

مفهوم شناسی اعجاز قرآن کریم در حوزه مدیریت و رهبری

دو تبیین و تصویر مستقل از اعجاز مدیریتی قرآن وجود دارد. در یک نگاه، منظور از وجود آیات و آموزه هایی در قرآن است که مطالب و دقائق علمی را در قلمرو مسایل و موضوعات دانشی سازمان و مدیریت مطرح کرده اند؛ اعم از مطالب علمی که تاکنون از سوی دانش کشف و تبیین شده است. بدیهی است که وجود چنین مطالب علمی در قرآن، نوعی رازگویی علمی در این عرصه از دانش بشری شمرده می شود و کشف و تبیین آن ها از سوی دانشمندان، وحیانی بودن قرآن و صدق رسالت و پیام آوری نبی اکرم^۹ از سوی خدا را اثبات می کند. در نگاه دوم منظور این است که قرآن کریم از زمان نزول تاکنون در حوزه مدیریت و رهبری انسان و جامعه کارکرد اعجاز گونه داشته و جلوه هایی از اعجاز خود را در پرورش مدیران و نهادسازی و هدایت و رهبری نهادها و سازمان ها به اثبات رسانده است. شخصیت عظیم پیامبر گرامی و ائمه عصمت و طهارت - صلوات الله و سلامه علیهم اجمعین - و تحول چشمگیر جامعه عربستان و شکل گرفتن کانون های عشق و ایمان و جهاد و شهادت در طول تاریخ اسلام از بارزترین مصادیق اعجاز مدیریتی قرآن می باشد. فراخوانی مخاطبان به هموردی و معارضه، ایجاد انگیزه برای معارضه و اقدام و رویارویی عملی آنان با قرآن، تسلیم شدن معارضان در برابر قرآن و عجز آنان از آوردن مثل آن، پیش بینی قطعی نوع رویارویی و معارضه مخاطبان با قرآن و پیامبر، پاسخ به شبهه های مخالفان عصر نزول (قدرت تصمیم و اقدام)، رفع زمینه شبهه های قطعی الوقوع از سوی معاندان (قدرت پیش بینی آینده و برنامه ریزی اقدام و رویارویی مؤثر)، عرضه محتوای هماهنگ با فطرت بشری و متناسب با همه نمودهای

عینی آن، بیان نمادین و رمزگونه از سبک های متنوع و موفق هدایت، رهبری و مدیریت پیامبران، اشاره های دقیق و علمی به مبانی و گونه های رفتار مؤمنان، کفار و منافقان، ایجاد نظام معنایی جامع و جاودانه برای جذب، هدایت و رهبری انسان ها، پرورش انسان های وارسته، رهبرانی مقتدر و پیروانی ثابت قدم، رویارویی پیروزمندانه با مکاتب و اندیشه های رقیب و انحرافی، زدودن نقاب از باطل های حق نما و... از جمله نشانه های رهگیری و تبیین اعجاز مدیریتی قرآن کریم است.

شاخص های مدیریت و رهبری قرآن

آن چه طی قرون متمادی، فوق العاده بودن و برجستگی عمل و اندیشه مدیریتی قرآن کریم را نمایان کرده، مجموعه عواملی است که کشف و تبیین آن از سوی دانش سازمان و مدیریت هنوز بسیار زود است و به یقین بدون یاری آموزه های وحیانی، انتظار دسترسی به اسرار و شگفتی های نهفته در فرآیندهای مدیریت و رهبری قرآن، غیرمعمول و دور از انتظار است.

عناصری چون فطرت، ایمان، شهود، وجهه خلیفه الهی انسان، امدادهای غیبی، ربوبیت تکوینی و تشریحی، دو ساحتی بودن [ساحت ملکی و ساحت ملکوتی] پدیده های جهان مادی [اعم از پدیده های طبیعی و واقعیت های اجتماعی]، هدفمندی و یک پارچگی جهان هستی، پیوستگی و نظام مندی جهان طبیعت و مجردات، ارتباط وثیق و عمیق امور دنیوی و اخروی و... از جمله اموری اند که به عنوان وجوه امتیاز و عوامل تعیین کننده در فرآیندهای رهبری و مدیریت قرآن کریم و نظام های معرفتی و رفتاری برخاسته از آن، نقش آفرینی می کنند. ارتباط و انس هرچه بیشتر انسان و جامعه با آیات قرآن، زمینه ها و ظرفیت های تجلی کلام الهی در عمل و اندیشه تک تک افراد جامعه و شبکه روابط و مناسبات اجتماعی را فراهم می کند «زمر / ۳»، استعداد اطاعت متعهدانه و مبتنی بر شهود قلبی و معرفت عقلانی افراد، گروه ها، نهادها و سازمان ها از کلام الهی و ائمه معصومان: را شکوفا می نماید «بقره / ۲۸۵»؛ «آل عمران / ۸»، تا

جلوه های خداگونگی در اندیشه، رفتار و گفتار آحاد افراد جامعه و هر یک از نهادها و سازمان ها برجسته شود «فرقان / ۷۶-۶۳» و شواهد، مستندات و نشانه های اعجاز مدیریتی قرآن کریم آشکار و برتری و خارق العاده بودن عمل و اندیشه مدیریتی قرآن کریم مستند و مستدل شود.

جلوه هایی از نفوذ و اثربخشی مدیریت قرآن

با درنگی اجمالی در سخنان گوهر بار امیر کلام علی ۷ با گزاره هایی در بیان حقیقت قرآن روبه رو می شویم که هر کدام می تواند راهنمای روشنی برای کشف، احراز و تبیین وجهی از وجوه اعجاز مدیریتی قرآن یا اعجاز مدیریت در قرآن و استدلال به آن ها باشد.

1. نورانی بودن قرآن کریم

پیامبر(ص) با نوری هدایتگر انسان ها شد که همه باید از آن اطاعت نمایند و آن نور، قرآن کریم است «نهج البلاغه، خ ۱۵۸»
خداوند نورانیّت قرآن را تمام، و دین خود را به وسیله آن کامل کرد «همان، خ ۱۸۳»
قرآن نوری است که خاموشی ندارد و چراغی است که درخشندگی آن زوال نمی پذیرد «همان، خ ۱۹۸»

شعله ای است که نور آن تاریک نمی شود «همان، خ ۱۹۸»

نوری است که با وجود آن، تاریکی یافت نمی شود «همان، خ ۱۹۸»

بدون آن تاریکی ها، بر طرف نمی شود «همان، خ ۱۸»

نوری آشکار و درمانی سودمند است که تشنگی را فرو می نشاند «همان، خ ۱۵۶»

2. استواری و هدایت گری قرآن کریم

قرآن خانه‌ای است که ستون‌های آن هرگز فرو نمی‌ریزد «همان، خ ۱۳۳»
بنایی است که ستون‌های آن خراب نمی‌شود «همان، خ ۱۹۸»
معدن ایمان و اصل آن است «همان، خ ۱۹۸»
پایه‌های اسلام و ستون‌های محکم آن است «همان، خ ۱۹۸»
سرچشمه عدالت و نهر جاری عدل است «همان، خ ۱۹۸»
هدایتگری است که نیکی و بدی و خیر و شر را آشکارا بیان می‌کند «همان، خ ۱۶۷»
راهنمای گویا و دستوری استوار است «همان، خ ۱۶۹»
نشانه هدایت برای کسی است که در آن بنگرد «همان، خ ۱۹۸»
کسی با قرآن همنشین نشد؛ مگر آن که در هدایت او افزود و از کوردلی و گمراهی‌اش
کاست «همان، خ ۱۷۶»

کسی با داشتن قرآن، نیازی ندارد و بدون آن، هرگز بی‌نیاز نخواهد بود «همان، خ
۱۷۶»

نجات دهنده کسی است که حافظ قرآن باشد و به آن عمل کند «همان، خ ۱۹۸»

3. ژرفای شگفت انگیز قرآن کریم

قرآن دریایی است که ژرفای آن درک نمی‌شود «همان، خ ۱۹۸»
چشمه‌های دانش و دریاهای علوم است «همان، خ ۱۹۸»
نهرهای زلال و جاری حقیقت، و سرزمین‌های آن است «همان، خ ۱۹۸»
دارای ظاهری زیبا و باطنی ژرف و ناپیداست، مطالب شگفت‌آور آن تمام نمی‌شود، و
اسرار نهفته‌اش پایان نمی‌پذیرد «همان، خ ۱۸»
فرو نشاننده عطش علمی دانشمندان، و باران بهاری برای قلب فقیهان، و راه گسترده
برای صالحان است «همان، خ ۱۹۸»
دریایی است که تشنگان، تمام آب را نمی‌توانند بکشند و چشمه‌ای است که آب آن

کاستی نمی پذیرد و محل برداشتِ آبی است که هر چه از آن بگیرند، کاهش نمی یابد
«همان، خ ۱۹۸.»

4. شفا بخشی قرآن کریم

در سختی ها از قرآن یاری بجویید، «همان، خ ۱۷۶.»
درمان خود را از قرآن بخواهید «همان، خ ۱۷۶.»
درمان بزرگ ترین بیماری ها یعنی کفر و نفاق و سرکشی و گمراهی هست «همان، خ
۱۷۶.»

قرآن شفابخش دردهای انسان است «همان، خ ۱۵۸.»
از نور آن شفا و بهبودی بخواهید؛ زیرا شفای سینه های بیمار است «همان، خ ۱۱۰.»
شفا دهنده ای است که بیماری های وحشت انگیز را می زداید «همان، خ ۱۹۸.»
دارویی است که با وجود آن بیماری وجود ندارد «همان، خ ۱۹۸.»

5. جامعیت و مرجعیت قرآن کریم

قرآن سامان دهنده امور فردی و اجتماعی انسان هاست «همان، خ ۱۵۸.»
جامع علم آینده، و حدیث گذشته است «همان، خ ۱۵۸.»
اخبار گذشتگان و آیندگان و احکام مورد نیاز زندگی انسان ها را در خود جای داده
است «همان، ح ۳۱۳.»

از قرآن پیروی کنید، با قرآن خدا را بشناسید، و خویشتن را با آن اندرز دهید، و رأی
و نظر خود را در برابرش متهم کنید، و خواسته های خود را که با آن مطابق نیستند،
نادرست بشمارید «همان، خ ۱۷۶.»

خواستهای خود را به وسیله قرآن از خدا بخواهید، و با دوستی قرآن، به خدا روی آورید، و با وجود آن، از خلق خدا چیزی نخواهید؛ زیرا وسیله‌ای، برای تقرب بندگان به خدا، بهتر از قرآن وجود ندارد «همان، خ ۱۷۶».

شفاعت قرآن پذیرفته و سخن آن تصدیق می‌شود. آن کس که قرآن در قیامت شفاعت اش کند، بخشوده می‌شود، و آن کس که قرآن از او شکایت کند، محکوم است (در روز قیامت ندا دهنده‌ای بانگ می‌زند که: «آگاه باشید امروز هر کس گرفتار بذری است که کاشته و دچار عملی است که انجام داده است؛ جز اعمال منطبق با قرآن») «همان، خ ۱۷۶».

۶. سخن گویی و بازدارندگی قرآن کریم

قرآن فرماندهی بازدارنده است؛ «همان، خ ۱۸۳».

ساکتی گویا و حجت خدا بر آفریده‌ها است «همان، خ ۱۸۳».

سخن گویی است با زبان گویا که هیچ‌گاه از حق گویی کند و خسته نمی‌شود «همان، خ ۱۳۳».

سخن گویی که هرگز دروغ نمی‌گوید «همان، خ ۱۷۶».

کسی که با قرآن سخن بگوید، راست گفته و هر کس بدان عمل کند، پشتاز است «همان، خ ۱۵۶».

کتابی است که تکرار و شنیدن پیاپی آیات، کهنه‌اش نمی‌سازد، و گوش از شنیدن آن خسته نمی‌شود «همان، خ ۱۵۶».

پنددهنده‌ای است که نمی‌فریبد، و هدایت کننده‌ای است که گمراه نمی‌سازد «همان، خ ۱۷۶».

جداکننده حق از باطل است و درخشش برهان آن خاموش نمی‌گردد «همان، خ ۱۹۸».

برهانی است برای کسی که با آن سخن بگوید «همان، خ ۱۹۸».
عامل پیروزی است برای کسی که با آن استدلال کند، «همان، خ ۱۹۸».

7. عزت و شکست ناپذیری قرآن کریم

قرآن؛ صاحب عزتی است که یاران آن هرگز شکست نمی‌خورند «همان، خ ۱۳۳».
قدرت برای کسی است که آن را برگزیند «همان، خ ۱۹۸».
قدرتی است که یاوران آن شکست ندارند، «همان، خ ۱۹۸».
محل امن برای هرکس است که وارد آن شود «همان، خ ۱۹۸».
سپر نگهدارنده ایی است برای کسی که خود را با آن بیوشناند «همان، خ ۱۹۸».
ریسمان محکم الهی است «همان، خ ۱۵۶».
ریسمانی است که رشته‌های آن محکم است «همان، خ ۱۹۸».
پناهگاهی است که قلّه‌های آن بلند است «همان، خ ۱۹۸».
نگهدارنده کسی است که به آن تمسک جوید و نجات دهنده کسی است که به آن چنگ
زند «همان، خ ۱۵۶».

حقی است که یاری کنندگان آن مغلوب نمی‌شوند «همان، خ ۱۹۸».

8. خزانه داران علوم و معارف قرآن کریم

پیامبر(ص) زبان گویای قرآن است «همان، خ ۱۵۸».

ما اهل بیت پیامبر(ص) خزانه داران علوم و معارف وحی، و درّهای ورود به آن معارف،
می‌باشیم «همان، خ ۱۵۴».

اهل بیت پیامبر(ص) گنجینه‌های علوم خداوند رحمان اند، اگر سخن بگویند، راست می
گویند، و اگر سکوت کنند، هرگز کسی بر آنان پیشی نمی‌جوید؛ «همان، خ ۱۵۴».
وقتی حضرت مهدی(عج) ظهور کنند، خواسته‌ها را تابع هدایت وحی می‌کند؛ هنگامی

که مردم هدایت را تابع هوس‌های خویش قرار می‌دهند؛ (در حالی که به نام تفسیر نظریه‌های گوناگون خود را بر قرآن تحمیل می‌کنند، او نظریه‌ها و اندیشه‌ها را تابع قرآن می‌سازد) «همان، خ ۱۳۸.»

چیستی نظریه

اندیشمندان برداشت‌ها و تفسیرهای متفاوتی از نظریه دارند، مانند:
1- نظریه، مجموعه‌ای به هم پیوسته از سازه‌ها (Construets) ، مفاهیم (Conepts)، تعاریف و قضایاست که برای تبیین و پیش‌بینی پدیده‌ها، از راه تشخیص روابط بین متغیرها، یک نظر نظام‌دار درباره این پدیده‌ها ارائه می‌دهد. (هومن، شناخت روش علمی در علوم رفتاری، ص ۱۱).

2- نظریه مجموعه‌ای از تعریف‌ها و پیشنهادها درباره تعدادی متغیر به هم پیوسته است، که همه این تعریف‌ها و پیشنهادها، بعد منظم و مدونی از وقایع و پدیده‌هایی را که در اثر همبستگی‌ها و تداخل این متغیرها به وجود می‌آید، ارائه می‌دهد (نادری - نراقی، ۳۲).

3- نظریه‌ها، در واقع دام‌هایی اند که ما برای آن گسترده‌ایم تا آن چه را که «جهان» نامیده می‌شود، صید کنیم تا حلقه‌های شبکه دام را تنگ‌تر و تنگ‌تر سازیم (پوپر، ۶۳).
4- تئوری بیان‌کننده مجموعه‌ای از مفاهیم یا فرض‌هایی است که به صورت سیستماتیک توجیه‌کرد (راینرز، تئوری سازمان، ۴۷).
5- مجموعه‌ای از بیانیه‌هایی است که بر مبنای قواعد منطقی و مبین بخشی از واقعیت هستند. (همو، ص ۹۵).

بنابراین در نگاهی کلی و جامع می‌توان گفت: نظریه [۳] بیانی منظم، انتزاعی، موجز، متشکل از قضایا، مستدل و منطقی، مبتنی بر یک سلسله مطالعات علمی، مبین یک اصل

کلی یا مجموعه ای از اصول مربوط به چگونگی و چرایی واقعیت ها یا رویدادها در سطح خرد یا کلان است.

هر نظریه تنها انعکاس دهنده و تبیین کننده بخشی از واقعیت است که در یک کلیت به هم پیوسته، فهم می شود. یک نظریه معمولاً چهار بُعد شناختی (معرفت ناظر به واقع)، عاطفی (تجسم تجربه و احساسات نظریه پرداز)، بازاندیشی (شیوه ای برای درک واقعیات) و هنجاری (ارائه مفروض های پنهان و آشکار در این که واقعیت باید چگونه باشد) دارد.

کار اصلی یک نظریه تبیین و در مرحله بعد تعمیم (و بر همین اساس، اعطای قدرت پیش بینی) است. تبیین انواعی دارد که مهم ترین و پرکاربردترین آن تبیین علی است. هر نظریه معمولاً امکان طرح پرسش ها و فرضیه های جدیدی درباره واقعیت را برای محقق فراهم می سازد. (شرف الدین، ماهیت و چیستی نظریه، ص ۳-۱).

عمده کارکردهای مورد انتظار از یک نظریه عبارت است از:

1. محدود ساختن افق دید و گستره علایق محقق و جهت دادن به آن در تمرکز بر پدیده های خاص یا بخش هایی از یک پدیده.
2. تعیین و مشخص ساختن مسیر مطالعات علمی با انواع اطلاعات مربوط.
3. امکان یابی ربط اطلاعات مربوط به یک دیگر و طبقه بندی آن ها.
4. امکان دهی به توصیف و تبیین پدیده ها: اساسی ترین کاربرد یک نظریه، توضیح مجموع پدیده هایی است که نظریه معطوف بدان است.
5. امکان دهی به تعمیم اطلاعات و نتایج به دست آمده به پدیده های مشابه.
6. پیش بینی حقایق و واقعیات: یک نظریه به محقق امکان می دهد تا موارد مشاهده نشده، مرتبط را پیش بینی کند.
7. زمینه سازی برای طرح فرضیات جدید.
8. آشکار ساختن و کشف شکاف های موجود در دانش بشری: نظریه ها، ابزارهای

مناسبی برای روشن ساختن وضعیت موجود یک حوزه معرفتی اند.
9. امکان دهی به توجیه پدیده ها با حداکثر احتمال (همو، ص ۵).
یک نظریه علمی و پذیرفتنی باید این ویژگی ها را داشته باشد:
1- استحکام درونی، قضایای همگام و غیرمتضاد داشته باشد، سوء تفاهم و ابهام ایجاد نکند، تناقض محتوایی نداشته باشد، فرضیات آن با یک دیگر سازگار و اصطلاحات به کار رفته در آن بی ابهام باشند و قضایای آن از استحکام و تداوم منطقی برخوردار باشند.

2. استحکام برونی، قضایای آن با موازین دنیای خارج، که در واقع محک‌های استنباطات پژوهشی (Research Inferecce) شمرده می شوند، تطبیق پذیر باشند.
3. مستندات قوی، به مجموعه قابل توجهی از اطلاعات، مستندات و شواهد متقن تکیه کند.

د- قابلیت سنجش، قابلیت سنجش داشته باشد و با ارجاع به مستندات و شواهد مختلف، آمادگی لازم برای تایید یا رد را داشته باشد.
4. عملیاتی بودن، در جهان واقع قابل اعمال و بهره گیری باشد، با واقعیات مشهود رابطه برقرار کند و به عبارتی از حالت نظری و تجریدی خارج شود. برخی این ویژگی را در ذیل «آزمون پذیری» ذکر کرده اند. در آزمون پذیری یک نظریه، برخی فیلسوفان علم، قابلیت ابطال (ابطال پذیری) و برخی تأیید و اثبات (اثبات پذیری) توسط شواهد تجربی را شاخص مقبولیت و اعتبار آن ذکر کرده اند.
5. قابلیت تعمیم، تا حد امکان، عمومیت داشته و به کلیه موارد مشابه تعمیم پذیر باشد.
6. صرفه جویی علمی، تا حد امکان موجز و مختصر باشد و با حداقل فرضیات و مفاهیم به شرح و تبیین موضوع مورد نظر پردازد. (همو، ص ۹-۸).

پیش نیازهای نظریه اعجاز مدیریتی قرآن

الف) نگاه کارکردی به قرآن؛ اولین پیش نیاز نظریه اعجاز مدیریتی قرآن

بخشی از کارکردهای مدیریتی قرآن که حقیقتی زنده و آسمانی است و با ساختار لفظی معین در قالب کتابی مشخص و در دوره زمانی محدود (۲۳ سال) از لوح محفوظ و جهان ملکوت به عالم ماده تنزل یافته، عبارت است از:

1. تنها نظامی (ساختار معنایی) است که معنویت را در همه جهات مادی فرد، سازمان، حکومت و جامعه منعکس و نهادینه می‌کند.
2. شبکه معرفتی جامع و جاودانه‌ای است که در جذب افراد انسانی و هدایت و رهبری آنان در مسیر اهداف و روشن کردن راه سعادت و نقاب زدایی از چهره باطل، همه جهان را به مبارزه طلبیده است.
3. راهنما و راهبر بی نظیری است که با نشانه‌های آشکار و پراهمین استوار و متانت گفتار و عفت بیان، در قرن‌های متمادی، در پرورش انسان‌های وارسته، رهبران مقتدر، پیروان ثابت قدم و نیز ایجاد نهادها و ساختارهای کارآمد و آفرینش فرهنگ‌های الهام‌بخش، نقش آفرینی کرده است.
4. تنها کانون معرفت و معنویت است که با گشودن چشمه‌های دانش و جاری کردن نهرهای زلال حقیقت به روی بشر، نمادهای جهالت و ضلالت و یاران فساد، استبداد و استعمار را افشا کرده و ارزش‌های متعالی را با ردیلت‌ها و شقاوت‌ها جایگزین کرده است.

5. عزت و شوکت دارد که با تکریم نفوس و صیانت از حقوق و بسط آزادی‌های معنوی، جامعه‌ای بزرگ و امتی نمونه و عظیم را بنا نهاد که هنوز سرآمد جوامع بشری و الکوی مصلحان اجتماعی و آزادی خواهان عدالت گستر در سراسر عالم است.
6. رهبر و هدایت کننده‌ای است که بانفوذ در اعماق دل و جان، روح انسان‌ها را از اعجاب و تحسین پرمی سازد و به پیروان خود می‌آموزد که سست نشوند، غمگین نباشند، و با ایجاد و گسترش عدالت اجتماعی، امید، نشاط، استقامت و پایداری، انواع قدرت‌ها را تحصیل کنند که سرانجام، پیروزی قطعی و عزت و دولت پایدار برای آن‌هاست؛ اگر ایمان آوردند و به توصیه‌های آن عمل کنند.

7. سخن گویی با زبان گویا است که همه فتنه ها، توطئه ها و هجمه های مخالفان در طول تاریخ را که با هدف تحریف قرآن و انزوای اندیشه های توحیدی برنامه ریزی و سازماندهی می شد، به شکست و رسوایی کشانده است. بنابراین قرآن کریم که معجزه ای زنده و گویا است مانند خورشید تابان و دریای جوشان، در همه شرایط زمانی و مکانی، رسالت هدایت، رهبری و مدیریت اثربخش خود را به طور کامل انجام داده است و همچنان برای آینده تاریخ بشریت، راهنمای مطمئن و راهبری مقتدر است «إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ.»

(ب) جواز تفسیر علمی [۴] قرآن

رویکردهای مختلفی درباره تفسیر علمی قرآن وجود دارد، اما مقصود ما موارد زیر است.

1. جواز استخدام علوم و امکان کمک گرفتن از یافته های دانش برای توضیح مفاد و مقصود از آیات قرآن.

2. امکان استخراج و استنباط مطالب علمی (کشفیات جدید علوم) از آیات قرآن.

3. امکان پاسخ گویی قرآن به پرسش ها و ابهام هایی که از سوی علوم در مورد محتوای آیات مطرح می شود.

4. امکان استنباط مطالب علمی به مناسبت محتوای آیات.

(ج) وجود آیات مدیریتی قرآن کریم

وجود آیات مدیریتی در قرآن، شرط لازم امکان یا جواز تفسیر مدیریتی است که می تواند یکی از شاخه های تفسیر علمی نیز شمرده شود. برای دست یابی به تفسیر مدیریتی معتبر، مراحل به شرح زیر را می توان مطرح کرد و به بحث و بررسی عالمانه آن با رویکرد انتقادی پرداخت.

1. تعریف و طبقه بندی آیات مدیریتی قرآن؛

2. تعمیق فهم و گسترش مدلول آیات؛

3. استخراج مضمون ها، مفاهیم و پیام های مدیریتی آیات؛

4. استنباط و تبیین مطالب علمی مدیریت از آیات (مبانی، اصول، قواعد، مسایل، روش ها و...)

5. مدل سازی و نظام پردازی بر اساس مجموعه آیات مدیریتی قرآن؛

6. رویارویی علمی با اندیشه ها و مکاتب رقیب و پاسخ گویی به شبهه ها و ابهام ها پیرامون محتوای آیات.

رویکرد نظریه اعجاز مدیریتی قرآن

نظریه اعجاز مدیریتی قرآن کریم، پیشینه تاریخی، آرا و دیدگاه های اندیشمندان موافق و مخالف اعجاز قرآن (به ویژه اعجاز علمی قرآن) را به چالش می کشاند و مبانی آنان را با رویکرد انتقادی، تحلیل و بررسی می نماید و با جمع آوری و تحلیل محتوایی اسناد و شواهد قرآنی، روایی، تاریخی، کلامی، فلسفی و بهره گرفتن از دانش تخصصی مدیریت و سازمان، نشان می دهد که قرآن کریم برای اداره انسان، جامعه، حکومت، نهادها و سازمان ها (اعم از نهادهایی که در طول تاریخ زندگی بشر شکل گرفته است و سازمان هایی که هر روز به تنوع، گستردگی و پیچیدگی آن ها افزوده می شود)، مبانی، اصول، قواعد، مسایل و شیوه هایی دارد.

1— خارق العاده و فراتر از افق عقل و تجربه بشری است؛

2— از هیچ فرد یا گروه انسانی حتی نوابغ جهان ساخته نیست و دانش تخصصی موجود، تنها به بخشی از آن ها دست یافته است؛

3- از نظر زمان، مکان، کیفیت، نوع و دیگر شرایط محیطی، به هیچ فرد، گروه، جامعه یا دوره ای از حیات بشری محدود نیست؛

4- برای همه افراد، گروه ها، سازمان ها، حکومت ها، جوامع و دوره های حیات انسانی نتیجه بخش و راه گشا است؛

5- از انسجام و توانایی فوق العاده برای تعامل الهام بخش، سازنده و رویارویی مقتدرانه با هر مکتب و اندیشه مدیریتی معارض برخوردار می باشد و شکست ناپذیر است؛ زیرا از نیروی لایزال و نامحدود خداوند علیم و حکیم سرچشمه گرفته و پیوسته به آن متکی است.

فرضیه های نظریه اعجاز مدیریتی قرآن

بشر در چگونگی اداره خود و دیگران و مدیریت گروه ها، نهادها، سازمان ها، حکومت ها و جوامع، نیازمند آموزه های وحیانی است و یافته های تجربی و دستاوردهای عقلانی به تنهایی برای اداره آن ها کفایت نمی کند. هم چنین شیوه های هدایت، رهبری و مدیریت قرآن کریم برخاسته از اسباب و علل فراطبیعی و فراتر از نیروی محدود بشری است؛ تسلط بر فرآیند هدایت، رهبری و مدیریت قرآن فراتر از محدوده توان انسان عادی است و نیازمند تبیین و تفسیر پیامبر اکرم (ص) و ائمه معصوم: می باشد و این بُعد از اعجاز کلام الهی، به عنوان نظریه اعجاز مدیریتی قرآن کریم قابل اثبات و تبیین علمی و کاربردی است.

در چارچوب نظریه اعجاز مدیریتی قرآن، نظام های عقلانی - معرفتی و نظام های رفتاری - تجربی کارآمد و اثربخش (و ممتاز از آن چه که در حوزه عقل و تجربه مطرح شده است) به تناسب هر یک از جوامع و دوره های حیات بشری قابل کشف و تبیین است.

ویژگی‌های مشاوران

در هنگام برنامه ریزی باید از فکر و اندیشه علما و متخصصین و صاحب نظران با ایمان استفاده نمود و نقاط ضعف برنامه را حتی الامکان قبل از اجرا شناخت و برطرف کرد (نبوی، ۱۳۸۰). قرآن کریم نیز در این مورد می فرماید:

وَقَالَ الْمَلِكُ ائْتُونِي بِهِ اَسْتَخْلِصُهُ لِنَفْسِي فَلَمَّا كَلَّمَهُ قَالَ اِنَّكَ الْيَوْمَ لَدَيْنَا مَكِينٌ اَمِينٌ
(یوسف، ۵۴)

ترجمه: پادشاه گفت: یوسف را نزد من آورید تا او را مشاور مخصوص خود قرار دهم. پس هنگامی که با او گفتگو نمود، گفت: تو امروز نزد ما فردی بزرگ و امین هستی.

حضرت علی (ع) نیز به این نکته اشاره دارد و می فرماید:

اما حق کسی که با تو مشورت می کند، این است که: اگر رأی صحیح و نظری مفید داری، با او در میان گذاری، و آن را به او تفهیم کنی؛ بطوریکه: اگر تو خود به جای او بودی به همان رأی عمل می کردی. و لازم است که سخن و رفتار تو، توأم با رحمت و محبت و نرمی و آرامش باشد؛ چراکه نرمی و آرامش باعث از بین رفتن ترس و وحشت می گردد؛ در حالیکه: خشونت و سختگیری، انس را به وحشت تبدیل می نماید این در صورتیکه دارای نظری روشن و مطمئن هستی. اما اگر رأی درستی نداری، یا برای خودت صلاحیت اظهار نظر قایل نیستی، ولی کسی را می شناسی که به صائب بودن رأیش اطمینان داری؛ بطوریکه اگر کار مربوط به خودت هم می شناسی که به صائب بودن رأیش اطمینان داری؛ بطوریکه اگر کار مربوط به خودت هم میشد، برای مشورت او را انتخاب می کردی، در این صورت، باید او را به آن شخص راهنمایی کرده و به مراتب صلاحیتش ارشاد کنی، و هرگاه اینکار را انجام دهی، دیگر در خیر خواهی برای

او کوتاهی نکرده و از نصیحت و راهنمایی شایسته او دریغ ننموده ای. و لاقوه الا بالله (حسینی سیاهپوش، ۱۴۰۱ ه ق).

مشورت و نظر خواهی از انسانهای دانا و با تجربه، لازمه حسن خدمت و مدیریت است (نبوی، ۱۳۸۰). بنابراین

برای اعطای مسؤولیت های بسیار مهم، گاه لازم است مدیر عالی خود وارد گزینش شود.

برای تصدی پست های مهم و کلیدی، علاوه بر تدبیر و کاردانی، محبوبیت و مقبولیت نیز بسیار مهم است. (یوسف در اثر عفت، تدبیر، تعبیر خواب و بزرگواری، محبوبیت خاصی پیدا کرد، لذا عزیز مصر گفت: او مشاور خودم باشد).

مشاورین باید اهل تقوی، تدبیر و امانت دار باشند. (مکین امین) ..

مدیران در سپردن مسؤولیت ها به افراد امین نباید تعلل کنند (قرائتی، ۱۳۸۸).

توجه به مهارت و علاقه شخصی کارکنان

چیزی که در اینجا باید به آن توجه داشت، آن است که روحیات و صفات افراد با عنایت به مسؤولیت پیش بینی شده بررسی گردد. در قرآن مجید می بینیم که حضرت " یوسف " خود را برای مسؤولیت خزانه داری معرفی می کند، سپس به دو صفت خود اشاره می کند که انجام مسؤولیت خزانه داری به آن صفات بستگی دارد. حضرت یوسف نمی گوید من زیبا هستم و یا زور زیاد دارم بلکه می فرماید:

قال اجعلني على خزائن الارض اني حفيظٌ عليم (يوسف، ۵۵)

ترجمه: يوسف گفت: مرا بر خزانه‌داری این سرزمین بگمار، که من امانت‌دار و دانا هستم.

در اینجا آن حضرت تصریح به دو صفت می‌کند که برای تصدی این پست، مهم است: یکی امانت‌داری و دیگری آگاهی. (نبوی، ۱۳۸۰)

امیرالمؤمنین علی (ع) برای مسئولان با توجه به مسئولیت آنان صفاتی را ذکر می‌کند که باید در هنگام انتخاب مورد توجه قرار گیرد؛ برای مثال فرمانده لشکر خیرخواهی و دلسوزی برای دین خدا و پیامبر (ص) و امام (ع)، برای فرماندهان جزء محبت به لشکریان، برای مسئول نامه‌های سری پاک‌خویی و برای رسیدگی به بیچارگان تواضع و فروتنی از صفات مورد نیاز قلمداد گردیده است (نبوی، ۱۳۸۰). همچنین باید به نکات زیر نیز توجه نمود:

در بکارگیری افراد لایق، علاقه شخصی افراد باید در نظر گرفته شود. (یوسف خود علاقمند بود که خزانه‌دار گردد.)

وقتی در کاری مهارت دارید، با اعتماد به نفس آن را بپذیرید.

در هر موقعیتی که فرد قرار دارد باید به نظرات سایرین و مشاوران امین توجه داشته باشد. (پیشنهاد یوسف پذیرفته شد.) (قرائتی، ۱۳۸۸).

خلاقیت، ریسک‌پذیری

قرآن کریم در آیات زیادی آدمی را از دنباله روی و پیروی کورکورانه از پیشینیان نهی می کند و انسان را به پذیرش ایده های نو و بهتر دعوت می کند. خداوند در آیه کریمه ۶۲ سوره یوسف می فرماید:

وَقَالَ لِفِتْيَانِهِ اجْعَلُوا بِضَاعَتَهُمْ فِي رِحَالِهِمْ لَعَلَّهُمْ يَعْرِفُونَهَا إِذَا انْقَلَبُوا إِلَىٰ أَهْلِهِمْ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ (يوسف، ۶۲)

ترجمه: حضرت یوسف به غلامان خود گفت: آنچه را به عنوان بهای گندم پرداخته اند در بارهایشان بگذارید تا هنگامی که به خانه خود برمی گردند و بارها را می گشایند آن را بازشناسند و (به امید تکرار دوباره این اتفاق) به مصر بازگردند.

همچنین خداوند متعال در آیه کریمه ۲۳ سوره الزمر می فرماید:

الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْوَالُونَ
الْأَلْبَابِ (الزمر، ۲۳).

ترجمه: همان کسانی را که قول را می شنوند و آنگاه از بهترین آن پیروی می کنند؛ اینانند که خداوند هدایتشان کرده است و اینانند که خردمندانند.

هر گونه تحول و پیشرفت ناشی از نوآوری ها، ابداعات و اختراعات است که همه شان زائیده فکر و اندیشه بشر است بنا براین جوهره ی تکامل، فکر و اندیشه است. به همین دلیل در تعالیم اسلامی، قرآن کریم، نبی مکرم اسلام و ائمه هدی، آدمی را به اندیشیدن و فکر کردن توصیه می کنند.

یکی از دلایلی که قرآن کریم خود را معجزه قلمداد می کند و برای اثبات این امر مبارز می طلبد این است که، این کتاب شریف، تئوری ها و فرمولهایی را که در رابطه ی انسان با خلقت بیان کرده است، نه تنها در زمان خود حیرت انگیز بوده بلکه بشر پس از

سالها کنکاش به نکات ظریف آن دست می یابد. ای بسا مقصود از «ن» همان گویش یا زبان باشد که آن نیز مهمترین دستگاه خروجی برای انتقال اندیشه و تفکر است.

در احادیث گفته اند که پیامبر اکرم سعی می کرد حتی در راه رفتن از مسیری تکراری حرکت نکند. این بدان معنی است که انسان باید هر روز راهی نو در اندازد و همیشه در یک مدار باقی نماند و از میان دو راه به راه سومی که به ظاهر وجود ندارد نیز بیندیشد. در احادیث معصومین (ع) این گفته بسیار آمده که: اگر مسلمانی امروزش با دیروزش یکسان باشد زیان کرده است (کرمی، ۱۳۸۸).

بنابراین انسان بدون خلاقیت، ابتکار، ابداع، نوآوری، اختراع، تازگی و نبوغ، انسان نیست. همه ی این صفات، خروجی تفکر و اندیشه است. فرق انسان و حیوان فقط در فکر کردن است و لذا تعریف «انسان، حیوان متفکر است» بهترین تعریفی است که ارائه شده است. برخی هم می گویند: «انسان یعنی حیوان خلاق» (کرمی، ۱۳۸۸).

باید توجه نمود که مقدمه پیشرفت و ترقی در ابتدا تامین بودجه ی لازم و فراهم آوردن امکانات و تجهیزات نیست بلکه عامل اصلی مغز متفکر و دانشمند و در واقع تفکر و اندیشه است. تجربه ثابت کرده است و نخبگان بر این باورند که امروزه، حتی داشتن منابع طبیعی و زیر زمینی نیز عامل پیشرفت نیست. بلکه به فعلیت در آوردن این جمله ی معروف است: «فکری به حال فرمان بکنیم» (کرمی، ۱۳۸۸).

این آیه ی کریمه را همیشه به خاطر داشته باشیم «إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ» همیشه قومی که از اندیشه ی خود بهره می گیرند موفق هستند و نشانه های خلقت را به خوبی درمی یابند.

مسائل امروز، تماماً با راه حل های دیروز قابل حل نیستند. و در هر زمان باید فکری نو در اندازیم.

برخی فکر می کنند سطح دانش در کشور ما ضعیف است و نمی خواهند به غیر از آنچه که به ظاهر می بینند فکر کنند. آلبرت انشتین می گوید: «تفکر برتر از دانایی است». علم شرط لازم پیشرفت است، شرط کافی نیست ما در کشور مان تیز هوش و دانشمند کم نداریم، متفکر کم داریم. فکر خلاق است که دانش را به فعلیت می آورد.

به اطراف خود نگاه کنید کسانی را می بینید که تحصیلات عالی ندارند ولی به دلیل داشتن تفکری خلاق، منشاء برخی تحولات شده اند.

زانکه گر پیدا شدی اشکال فکر کافر و مؤمن نگفتی جز که ذکر

پیشرفت و ترقی در نوگرایی است و تا زمانیکه انسان خود را از قالبهای ذهنی غلط رها نکند به کمال نمی رسد. به قول یکی از بزرگان: اکتشاف جستجوی چیزهای جدید نیست بلکه دیدن با چشم های جدید است.

تازه کن ایمان، نه از گفت زبان ای هوا را تازه کرده در نهان

لازم است به روش هایی که قرآن و احادیث برای چگونه زیستن ما طرح کرده اند توجه جدی داشته باشیم به گفته متخصصین، تا زمانیکه با روش های قبلی تفکر کنیم غیر ممکن است چیز تازه ای را کشف یا خلق کنیم. بنابراین:

مدیران و رهبران باید از طرح های ابتکاری استفاده نمایند. در هر موقعیت و شرایطی بکارگیری قوه خلاقیت باعث ایجاد نوآوری و ابتکار در روش می گردد (قرائتی، ۱۳۸۸).

برای اجرایی کردن طرح ها، گمان و ظن قوی برای رسیدن به مطلوب کافی است و نباید دست روی دست گذاشت تا یقین کامل شود. (ریسک پذیری لازم است، چنان که یوسف گفت: (لعلهم یرجعون) شاید باز گردند.) (قرائتی، ۱۳۸۸).

از آیه: «هَلْ أَتَّبِعَكَ عَلَىٰ أَنْ تُعَلِّمَنِي مِمَّا عَلَّمْتَ رُشْدًا» (کهف، ۶۶)

می فهمیم: باید به سراغ علمی برویم که در آن رشد باشد. (قرائتی، ۱۳۸۵)

توجه به سابقه افراد

یکی از ویژگیهای مهم مدیر داشتن حسن سابقه از نظر عملکرد و نیز از نظر حسن شهرت و آرومندی می باشد یعنی برای انتخاب مدیر مخصوصا برای کارهای مهم باید بررسی نموده و کسی انتخاب شود که در گذشته نیز حسن شهرت و حسن سابقه داشته باشد. قرآن کریم نیز در این باره در آیه ۶۴ سوره یوسف آورده است که:

قَالَ هَلْ آمَنُكُمْ عَلَيْهِ إِلَّا كَمَا أَمَنْتُكُمْ عَلَىٰ أَخِيهِ مِنْ قَبْلُ... (یوسف، ۶۴)

ترجمه: هنگامی که پسران یعقوب از پدرشان خواستند برادر یوسف (بنیامین) را همراه خود به مصر ببرند، یعقوب گفت: آیا شما را بر او امین بدانم؟ همان گونه که نسبت به برادرش یوسف به شما اطمینان کردم؟!

حضرت علی(ع) نیز درباره معاویه می فرماید:

ترجمه: " تو ای معاویه چگونه می توانی حکمران مردم و فرماندار امت اسلامی باشی در حالی که نه از سابقه خوبی برخوردار و نه از نشانه بزرگواری در تو هست. " و در دنباله آن می فرماید:

ترجمه: " و پناه می برم به خدا از گرفتاری به شقاوت دیرین (نهج البلاغه، نامه ۱۰).

اعتماد سریع به افراد بد سابقه در سپردن مسؤلیت، جایز نیست (قرائتی، ۱۳۸۸).

احتمالات در برنامه‌ریزی

مهمترین نکته ای که در امر انتخاب و اخذ تصمیم وجود دارد این است که مدیر در انتخاب راهها چه معیاری را باید در نظر بگیرد. در مدیریت اسلامی چهار ملاک برای اخذ تصمیم در برابر قرار داده می شود (حیدری تفرشی، ۱۳۸۶):

انطباق با حق: مدیر موظف است از تمام امکانات موجود استفاده کند تا دریابد که منطق و حقیقت، چه چیزی را اقتضا می‌راند داده می‌شود:

۱. انطباق با حق: مدیر موظف است از تمام امکانات موجود استفاده کند تا دریابد

که منطق و حقیقت، چه چیزی را اقتضا می‌کند و صرف نظر از سلیقه های شخصی و یا سلیقه های دیگران، واقعیت های موجود، او را در سر این دو راهی به کدام راه می‌خواند.

۲. عادلانه تر بودن: در اتخاذ یک تصمیم ممکن است گروهی نفعی ببرند و در

برابر، افرادی هم متضرر شوند. بدیهی است این نفع یا ضرر متوجه شخص مدیر نیز شود. حال در چنین شرایطی که مدیر اسلامی باید با ارزیابی دقیق و منصفانه همه ی راه های ممکن را دریابد که عادلانه ترین راه کدام است و در پرتو کدام تصمیم افراد بیشتری به حق خویش برسند، یا نفع بیشتری برای سازمان حاصل می‌گردد.

۳. رضایت توده ها: دین اسلام به افکار عمومی احترام می‌گذارد و اساسا یکی از

معیارهای قضاوت و ارزشیابی در زمینه مدیریت را، قضاوتهای مردم در مورد مدیر می‌داند.

۴. محتمل بودن برنامه: مدیر خوب باید علاوه بر برنامه ریزی حساب احتمالات را

بکند، زیرا انسان در اداره امور خود مستقل نیست، یعنی با همه محاسبات و دقت ها باز هم دست خدا باز است و تضمینی برای انجام صد در صد محاسبات ما

نیست (نبوی، ۱۳۸۰). در این باره نیز قرآن کریم آیه شریفه ۶۷ سوره یوسف می فرماید:

لَا تَدْخُلُوا مِنْ بَابٍ وَاحِدٍ وَ ادْخُلُوا مِنْ ابوابٍ متفرقه و ما أُغْنِي عَنْكُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ...
(یوسف، ۶۷)

ترجمه: یعقوب به پسرانش گفت: از یک در وارد نشوید، بلکه از دروازه‌های مختلف وارد مصر شوید و سپس گفت: با این حال نمی‌توان مقدرات خدا را تغییر داد.

در برنامه‌ریزی، راههای مختلف رسیدن به هدف را بررسی و تجزیه کنید.

علاوه بر برنامه‌ریزی، احتساب احتمالات لازم است. (یعقوب علاوه بر چاره‌اندیشی، ذکر می‌کند که ممکن است هدفم بر آورده نشود.) (قرائتی، ۱۳۸۸)

. از آیات: «يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ مُهْتَدُونَ» (اعراف/۳۰) «يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ عَلَىٰ شَيْءٍ» (مجادله/۱۸) «يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ» (کهف/۱۰۴)

می‌فهمیم: بسیاری از کارهای ما در دنیای خیال کار است و در واقع سرگرمی است.

احتمالات در برنامه‌ریزی

وَ قَضَيْنَا إِلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ فِي الْكِتَابِ لَتُفْسِدُنَّ فِي الْأَرْضِ مَرَّتَيْنِ وَ لَتَعْلُنَّ عُلُوًّا كَبِيرًا
(اسراء، ۴)

ترجمه: در کتاب تورات، به بنی اسرائیل هشدار داده شد که شما دو بار در زمین فساد می‌کنید و برتری جویی خواهید کرد.

مدیران بایستی توجه داشته باشند که انحرافات و فسادهایی که در سازمان تکرار می‌شوند، خطرناک‌تر است، مخصوصاً اگر گروهی قصد جایگزینی منافع خود به جای مصالح سازمان را داشته باشند زیرا که در این راه مکرراً دچار انحراف و فساد خواهند شد (قرائتی، ۱۳۸۸).

اقتدار مدیریت

مدیر در رأس هرم سازمانی قرار دارد و رهبر و پیشرو کارگزاران سازمان است و بر حسب موقعیت اجرایی خود و مسئولیتی که برعهده دارد، مرکز ثقل اندیشه‌ها، طرح‌ها و پیشنهادهاست و در حقیقت آخرین مرجع برای تجزیه و تحلیل و جمع‌بندی و اتخاذ تصمیم برای عمل است. از این جهت به لحاظ موقعیت خود به اراده نیرومندی نیازمند است تا پس از بررسی تمام جوانب تصمیمی قاطع بگیرد و هر نوع تردید و دودلی را کنار بگذارد و با اعتماد و عنایت الهی نظر خود را صادر کند (جاسبی، ۱۳۷۸).

خداوند در آیه ۵ سوره اسراء می‌فرماید:

بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَنَا أُولَىٰ بَأْسٍ شَدِيدٍ فَجَاسُوا خِلَالَ الدِّيَارِ ... (اسراء، ۵)

ترجمه: پس از این که قوم بنی‌اسرائیل مرتکب اولین فساد شوند، خدای متعال این‌گونه وعده داده است که گروهی از بندگان توانا و سلحشور را برانگیزد تا با یافتن فتنه‌گران به سرکوب آنها بپردازند.

همچنین خداوند در آیه ۱۷ سوره لقمان می‌فرماید:

يَا بُنَيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ وَأْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَانْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأَصْبِرْ عَلَيَّ مَا أَصَابَكَ إِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ (لقمان، ۱۷)

ترجمه: ای فرزند عزیزم نماز برپادار و امر به معروف و نهی از منکر کن و بر این کار از مردم نادان هر آزار بینی صبر پیشه گیر که این صبر و تحمل در راه تربیت و هدایت خلق نشانه ای از تصمیم ثابت (مردم بلند همت) در امور لازم عالم است.

همچنین قرآن کریم در آیه ۱۸۶ سوره آل عمران می فرماید:

لَتَبْلُوَنَّ فِي أَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ وَلَتَسْمَعَنَّ مِنَ الَّذِينَ آوَتْوَا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَمِنَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا أَذَى كَثِيرًا وَإِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ (آل عمران، ۱۸۶)

ترجمه:...ثبات و تقوی سبب نیرومندی و قوت اراده در کارها است.

امام علی(ع) در جنگ جمل، علم را به محمد حنیفه عطا کرده و به او می فرماید:

" کوه ها از جا کنده شوند، تو از جای خود حرکت مکن، دندان روی دندان بنه، کاسه سرت را به خدا عاریه ده (توکل به خدا کن)، پای خود را چون میخ در زمین بکوب، چشم بیانداز تا انتهای لشکر را بینی و چشم خود را ببوش، پس از آگاهی از حيله دشمنان منحرف نشو و وحشت نداشته باش و بدان که فتح و پیروزی از جانب خداوند سبحان است. پس از بکار بردن آداب جنگ اگر خدا بخواهد نصرت با توست (جاسبی، ۱۳۷۸).

امیرالمؤمنین(ع) همچنین می فرماید:

سستی ها را با اراده نیرومند از خود دور کنید(نهج البلاغه، ص ۹۸)

هر کسی که از سستی پیروی کند، هستی را تباه می سازد(جاسبی، ۱۳۷۸).

مدیران سازمان باید قدرت لازم برای کنار گذاردن کسانی که علیه اهداف سازمان فساد و فتنه می‌کنند، را داشته باشند تا در موقع لزوم با اعمال قدرت، اهداف سازمان را حفظ نموده و سازمان را از خطر آشوبگران نجات دهند(قرائتی، ۱۳۸۸).

سرمایه و نیروی انسانی

وَأَمْدَدْنَاكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَجَعَلْنَاكُمْ أَكْثَرَ نَفِيرًا (اسراء، ۶)

ترجمه: خداوند خطاب به مؤمنان می‌فرماید: ما شما را با اموال و فرزندان کمک کردیم تا بر دشمنان پیروز شوید.

سرمایه و نیروی انسانی دو عامل مهم و تأثیرگذار و قدرت آفرین برای مدیران است که بکارگیری ترکیب مؤثر و کارآمدی از آن دو منبع، موجبات موفقیت را فراهم می‌آورد(قرائتی، ۱۳۸۸).

نظریه سیستمی

یکی از مباحثی که در مدیریت مطرح است این است که مدیر باید نگاه سیستمی و جامع نگرداشته باشد و نظامگرا بودن را در سازمان نسبت به تمام واحدهای زیر نظر خود مورد توجه قرار دهد. نگاه سیستمی یعنی یک نگاه از بالا به پایین و نگرش به تمام قسمتها با توجه به ارتباط آنها با هم و اینکه همه باهم مرتبط هستند و برهم تأثیر دارند، قرآن کریم در آیه کریمه ۷ از سوره اسراء می‌فرماید:

إِنْ أَحْسَنْتُمْ أَحْسَنْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ وَإِنْ أَسَأْتُمْ فَلَهَا ... (اسراء، ۷)

ترجمه: اگر نیکی کنید به خود کرده‌اید و اگر بدی کنید باز هم به خود بدی کرده‌اید.

همچنین در نامه ۵۳ حضرت علی(ع)، با داشتن نگاه همه جانبه و کل گرا نسبت به اصناف جامعه چنین بیان می فرمایند:

ترجمه: و بدان که رعیت را صنف هاست که کار برخی به برخی دیگر راست نیاید، و به برخی از برخی دیگر بی نیازی نشاید، از آنان سپاهیان خدایند و دبیران که در نوشتن نامه های عمومی و یا محرمانه انجام وظیفه نمایند و از آنها داورانند که کار به عدالت دارند و عاملانند که کار خود به انصاف و مدارانند و از آنان اهل جزیه و خراجند، از ذمیان و مسلمانان و بازرگانانند و صنعتگران و طبقه فروردین از حاجتمندان و درویشان و خدا نصیب هر دسته را معین داشته و میزان واجب آن را در کتاب خود یا سنت پیامبرش(ص) نگاشته، که پیمان از جانب خداست و نگهداری شده نزد ماست(نهج البلاغه، نامه ۵۳).

بنابراین در عبارات بالا از حضرت علی (ع) آمده است که همه این اصناف که در جامعه وجود دارند به همدیگر وابسته اند و بی نیاز از هم نیستند و والی جامعه همه آنها را مثل عناصر یک سیستم باید در نظر بگیرد، در سازمان نیز مدیر به تمام بخشهای سازمان اهمیت بدهد و نیاز آنها به هم را بشناسد و با یک نگرش سیستمی به همه توجه نموده و هنگام مواجه شدن با مسائل نیز آن را فقط تقصیر یک واحد خاص نداند بلکه برای تحلیل مناسب باید همه را کنار هم قرار دهد تا بدانند واقعا مقصر کیست و چه کاری باید بکند (میانداری، ۱۳۸۸). بنابراین:

مدیران در ارتباطات و تعاملات خود با نیروها و زیرمجموعه‌ها، این فرهنگ و باور را در آنان به وجود آورند که آثار رشد یا پیامدهای شکست تشکیلات، متعلق به خود آنان است(قرائتی، ۱۳۸۸).

فرهنگ رحمت

خداوند متعال در آیات شریفه متعدد در مورد فرهنگ رحمت اشاره داشته که در ذیل به برخی از آن آیات اشاره می‌کنیم:

وَقُلْ رَبِّ اغْفِرْ وَارْحَمْ وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ (المؤمنون : ۱۱۸)

ترجمه: بگو: «پروردگارا ببخشای و رحمت کن [که] تو بهترین بخشاینده‌گانی.

رَبَّنَا لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ (آل عمران ،)

ترجمه: پروردگارا پس از آنکه ما را هدایت کردی، دل‌هایمان را دستخوش انحراف مگردان، و از جانب خود، رحمتی بر ما ارزانی دار که تو بخشایشگری

عَسَى رَبُّكُمْ أَنْ يَرْحَمَكُمْ وَإِنْ عُدْتُمْ عُدْنَا ... (اسراء، ۸)

ترجمه: امید است که خدا بر شما رحم کند و اگر دوباره نقض پیمان کرده و به فساد برگردید، خدا نیز بر خواهد گشت و عذاب می‌فرستد.

شایسته است رهبران و مدیران فرهنگ رحمت را به عنوان فرهنگ و باور غالب در سازمان حاکم کنند گرچه هشدار و تهدید به عنوان ابزاری برای تنبیه متخلفانی که تخلفات خود را تکرار می‌کنند، مورد استفاده قرار می‌گیرد (قرائتی، ۱۳۸۸).

میان‌ه‌ روی در هزینه

یکی از مسائل بسیار مهمی که لازم است هر مدیر مسلمانی رعایت کند، این است که امکانات سازمان و مجموعه های دولتی را اموال عموم مردم بدانند و از سوء استفاده و

بهره برداری شخصی بر حذر باشد(نبوی، ۱۳۸۰). قرآن کریم نیز در آیه شریفه ۲۹
سوره اسراء می فرماید:

وَلَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ فَتَقْعُدَ مَلُومًا مَّحْسُورًا (اسراء،
۲۹)

نه آنقدر سخت گیر باش که هیچ انفاقی نکنی و نه آنقدر دست و دل باز که همه چیز را
انفاق کنی و چیزی برای خودت نماند و سرزنش شده و حسرت خورده به کنجی نشینی.
در جبران خدمات کارکنان و نیروهای تحت امر، باید اعتدال داشت، نه آنقدر که
ایشان در مضیقه قرار گیرند و مایوس و ناراضی شوند و نه آنقدر بذل و بخشش که به
ورشکستگی و شرمندگی مدیر و سازمان کشیده شود(قرائتی، ۱۳۸۸).

امیرالمؤمنین علی (ع) در برابر انسانهای پر توقع که بیت المال را وسیله عیش و نوش و
خوشگذرانی های خود قرار داده بودند، ایستادگی کرده و با قدرت اعلام می کند:

" به خدا سوگند آنچه از عطایای عثمان و آنچه بیهوده از بیت المال مسلمین به این و
آن بخشیده، اگر بیابم، به صاحبش باز می گردانم ، گرچه از آن، زنها شوهر داده و
کنیزان خریده باشند، زیرا عدالت گشایش می آورد و آن کس که عدالت بر او گران
آید، تحمل ظلم و ستم بر او گرانتر خواهد بود"(نهج البلاغه، خطبه ۱۵).

جاذبه تخلفات

جاذبه برخی خلافها آنقدر زیاد است که حتی از نزدیک شدن به آنها نهی شده است.
لذا باید فرهنگ سازمانی و فضای غالب به گونه ای فراهم باشد که کمترین حدی برای
اینگونه جاذبه های نامشروع وجود نداشته باشد(قرائتی، ۱۳۸۸).

وَلَا تَقْرَبُوا الزَّوْجِيْنَ اِنَّهٗ كَانَ فَاْحِشَةً وَّ سَاءَ سَبِيْلًا (اسراء، ۳۲)

به زنا، حتی نزدیک نشوید که راه زشت و کار بدی است.

همچنین:

. از آیه: «الآن حَصَّصَ الْحَقَّ» (یوسف، ۵۱)

می‌فهمیم: در همین دنیا پرده‌ها کنار می‌رود و چهره‌های حق و باطل روشن می‌شود.

درستکاری

در این بخش قرآن کریم تأکید بر امین بودن و پاکدامن بودن مدیران اشاره دارد و تأییراتی که اینگونه مدیران بر افراد دارند نیز اشاره دارد و در آیات متعدد می‌فرماید:

«لَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ اِلَىٰ مَا مَتَّعْنَا بِهٖ اَزْوَاجًا مِنْهُمْ» (حجر، ۸۸)

ترجمه: رهبران فکری و اخلاقی جامعه نباید چشم به امکانات و تجملات دیگران بدوزند.

وَأَوْفُوا الْكَيْلَ اِذَا كَلْتُمْ وَّ زِنُوا بِالْقِسْطِ اِلَى الْمُسْتَقِيْمِ ذٰلِكَ خَيْرٌ وَّ اَحْسَنُ تَأْوِيْلًا (اسراء، ۳۵)

ترجمه: و چون داد و ستد کنید، پیمانه را کامل دهید و با ترازوی درست وزن کنید، که این بهتر و سرانجامش نیکوتر است.

• از آیه: «وَلَمْ يَجْعَلْ لَهُ عِوَجًا» (کهف، ۱)

می‌فهمیم: در مسئولین فرهنگی نباید هیچگونه کژی و انحراف باشد.

بنابراین سازمان‌هایی که با معاملات تجاری رابطه دارند، باید درستکاری، وفای به قرارداد، امانتداری و دقت در معاملات را از یاد نبرند و این اصل، در سازمان به عنوان ارزش و فرهنگ درآید زیرا موجب جذب مشتری برای کسب سود بلندمدت می‌شود (قرائتی، ۱۳۸۸).

شایعه

نپ در تعریف شایعه می‌نویسد:

"شایعه موضوعی است که برای باور همگان مطرح می‌شود بدون آن که به طور رسمی تأیید گردد.

از شایعه در آیات قرآن سخن بسیار رفته است. پیامبران با انبوهی از شایعات رودرو بودند. این شایعات که از سوی دشمن آگاه و دوستان نادان ساخته و پخش می‌شد مشکلات بی شماری برای پیامبران می‌آفرید. گاه شایعه ساحر بودن رواج می‌گرفت و گاه شایعه قدرت طلبی، گمراه‌گری، دیوانگی و ...

سرعت پخش شایعه گاه به اندازه‌ای زیاد بود که در همان آغازین روزهای دعوت پیامبران، گروهی بسیار، شایعه دیوانگی، قدرت طلبی و گمراهی آنان را شنیده بودند؛ برخی این شایعه را باور کرده و عده‌ای این شایعات را نمی‌پذیرفتند. لذا در این زمینه نیز قرآن کریم در آیه شریفه ۳۶ سوره اسراء تأکید بر این زمینه دارد که مطالبی در

سازمان می بایست مورد قبول افراد قرار گیرد که نسبت به آن علم کافی داشته باشند تا دچار شایعه پراکنی برخی از سودجویان نشوند.

وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا
(اسراء، ۳۶)

ترجمه: و از آنچه نسبت به آن علم نداری پیروی مکن، همانا گوش و چشم و دل، همگی مورد بازخواست قرار خواهند گرفت.

همچنین خداوند در آیه شریفه ۳۷ سوره احزاب می فرماید:

. از آیه: «زَوَّجْنَاكَهَا لِكَيْ لَا يَكُونَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ حَرَجٌ فِي أَزْوَاجِ أَدْعِيَائِهِمْ»
(احزاب/۳۷)

می فهمیم: شکستن خرافات یکی از وظایف کسانی است که کار فرهنگی می کنند.

از طرفی دیگر قرآن کریم در آیه شریفه ۳۹ سوره یونس می فرماید:

. از آیه: «بَلْ كَذَّبُوا بِمَا لَمْ يُحِيطُوا بِعِلْمِهِ» (یونس/۳۹)

ترجمه: می فهمیم: اگر به چیزی علم نداریم آن را تکذیب نکنیم.

بنابراین مدیران باید سعی کنند که شایعات و خرافات را از سازمان خود دور کنند و کارکنان و اعضای سازمان باید از موضوعاتی که به صورت شایعه در سازمان پخش می شود اجتناب کنند.

یادآوری اهداف

مدیران می بایست همواره اهداف سازمانی را بطور واضح و روشن برای کارکنان خود بیان دارند تا کارکنان بتوانند انتظاراتی را که مدیران از آنان دارند به خوبی برآورده نمایند. قرآن کریم نیز در مورد متذکر شدن اهداف توسط مدیران برای زیر دستان در آیه شریفه ۴۱ سوره اسراء می فرماید:

وَلَقَدْ صَرَّفْنَا فِي هَذَا الْقُرْآنِ لِيَذَّكَّرُوا ... (اسراء، ۴۱)

ما در این قرآن حقایق را به شکل‌های مختلف بیان کردیم تا پند بگیرند.

بنابراین مدیران باید با بیان جذاب و استفاده از روش‌های مختلف و متنوع، به گونه‌ای که کارکنان احساس خستگی نکنند، پیوسته اهداف و رسالتها را تذکر دهند (قرائتی، ۱۳۸۸).

لغزش مدیران عالی

مدیران و رهبران سازمان هر چه در سطوح بالاتری قرار گیرند، مسؤولیت بیشتری دارند و کمترین لغزش آنان موجب خسارت‌های سنگینی می‌شود. لذا باید ساز و کاری اجرا نمود که برای تخلفات مسؤولین جریمه سنگین‌تری وضع شود تا هم عبرتی برای دیگران باشد و هم از نفوذ فساد در سطوح بالای سازمان جلوگیری نمود (قرائتی، ۱۳۸۸) لذا در این مورد قرآن کریم در آیه شریفه ۷۵ سوره اسراء می فرماید:

إِذَا لَذِقْنَاكَ ضِعْفَ الْحَيَاةِ وَضِعْفَ الْمَمَاتِ ... (اسراء، ۷۵)

ترجمه: خداوند، به رسولش می فرماید: اگر رفتار لغزش می شدی، در دنیا و آخرت عذابی دوچندان در انتظارت بود.

از آیه: «فَقَدْ لَبِثْتُ فِيكُمْ عُمُرًا» (یونس/۱۶)

می فهمیم: خوش سابقه بودن مدیر، در اثرگذاری کار او نقش مهمی دارد.

از آیه: «تَوَفَّنِي مُسْلِمًا» (یوسف/۱۰۱)

می فهمیم: حتی یوسف ها، باید نگران عاقبت کار خود باشند.

فرهنگ سازمانی

رفتار سازمانی ریشه در عادات سازمانی دارد، لذا باید از عادات و رسوم نادرستی که در فرهنگ سازمان و فرهنگ فردی اعضا رخنه می کند، جلوگیری کرد تا این فضای نادرست که به عنوان تهدیدی جدی برای رشد مطرح است، در رفتار عملی کارکنان جلوه گر نشود (قرائتی، ۱۳۸۸). قرآن مجید نیز در آیه شریفه ۸۴ از سوره اسراء می فرماید:

قُلْ كُلٌّ يَعْمَلُ عَلَىٰ شَاكِلَتِهِ... (اسراء، ۸۴)

ترجمه: بگو: هر کس بر ساختار و خلق و خوی خویش عمل می کند.

برای موفقیت بیشتر، باید روی افراد از کودکی و نوجوانی کار کرد تا خوبیها در آنان نهادینه شود که در این صورت رفتارهای صحیح طبق خلق و خوی ایشان صورت می گیرد. در این خصوص قرآن کریم نیز در آیه شریفه ۱۰۶ سوره اسراء می فرماید:

از آیه: «وَفَرَّانَا فَرَقْنَاهُ لَتَقَرَأَهُ عَلَى النَّاسِ عَلَى مَكَّةَ» (اسراء، ۱۰۶)

می فهمیم: کار فرهنگی باید تدریجی باشد.

. از آیه: «أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ» (کهف، ۱۱۰)، «وَيَمْشِي فِي الْأَسْوَاقِ» (فرقان، ۷)، «رَسُولًا مِنْهُمْ» (بقره، ۱۲۹)، «فِيهِمْ رَسُولًا» (مؤمنون / ۳۲)

می فهمیم: زندگی و مسکن و مرکب مسئولین فرهنگی باید طبیعی باشد، نه سلطنتی و از اینکه ممکن است تحقیر شویم، نترسیم «وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا» (فرقان، ۶۳)

. از آیه: «أَدْعُوا إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ» (یوسف، ۱۰۸)

می فهمیم: کار فرهنگی باید بر اساس بصیرت باشد.

از آیه: «يَا صَاحِبِي السَّجْنِ أَرَأَبٌ مُتَّفَرِّقُونَ» (یوسف، ۳۹)

می فهمیم: برای کار فرهنگی باید با مخاطب محترمانه رفتار کرد.

از آیه: «وَمَا كُنَّا مُعَذِّبِينَ حَتَّى نَبْعَثَ رَسُولًا» (اسراء، ۱۵)

می فهمیم: بدون کار فرهنگی خداوند کسی را عذاب نمی کند.

. از آیه: «وَمَا كُنْتُ مَتَّخِذَ الْمُضِلِّينَ عَضُدًا» (کهف، ۵۱)

می فهمیم: نباید در کار فرهنگی از هر کس کمک گرفت.

آیات فوق همه بر اهمیت فرهنگ سازمانی و تأثیرات آن بر سازمان و افراد سازمان دارد.

دفع تهدیدها

دفع ضرر، مهم‌تر از جلب منفعت است. لذا سازمان‌ها باید در اولویت‌بندی بین دفع ضررهای احتمالی که به سازمان وارد می‌شود و منافی که ناشی از انجام تصمیم و اقدامی در سازمان است، ابتدا به دفع ضرر پردازند. (پیشی گرفتن هشدار عذاب بر بشارت، تبیین‌کننده این معناست.)

. از آیه: «فَأَسْرَهَا يُوسُفُ فِي نَفْسِهِ» (یوسف / ۷۷)

می‌فهمیم: گاهی باید تهمت را شنید و در دل پنهان کرد و به رو نیاورد.

قِيَمًا لِيُنذِرَ بَأْسًا شَدِيدًا مِّنْ لَّدُنْهُ وَيُبَشِّرَ الْمُؤْمِنِينَ ... (کهف، ۲)

قرآن، کتابی استوار است تا عذاب شدید را هشدار دهد و به مؤمنان بشارت دهد.

کیفیت کار

در یک جامعه اسلامی، همه باید احساس مسئولیت کنند. کار زمین مانده را هرکسی به اندازه‌ی توانایی خود به انجام رسانند. در اسلام هرگز به مقدار عمل تأکید نشده، بلکه همه جا اهمیت کیفیت، اخلاص و نیت پاک ارزش دارد. در مکتب ما، خدمت‌ها اگرچه کوچک اما اگر با صداقت و اخلاص باشد ارزش بسیاری دارد. قرآن کریم در آیه شریفه ۷ سوره کهف می‌فرماید:

لِنَبْلُوهُمْ أَيُّهُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا (کهف، ۷)

ترجمه: ما انسانها را می‌آزماییم تا مشخص شود، که کدامشان بهتر و نیکوتر عمل می‌کنند.

بنابراین می‌توان گفت: آنچه که باید در سازمان، در مورد عملکرد افراد، معیار و اصل باشد، کیفیت و بازدهی کار آنهاست، نه مقدار و کمیت آن (قرائتی، ۱۳۸۸).

دوری از وعده‌دادن

وَلَا تَقُولَنَّ لِّشَيْءٍ اِنِّي فاعِلٌ ذَلِكَ غَدًا (کهف، ۲۳)

درباره هیچ چیز و هیچ کار، نگو که من حتماً آن را فردا انجام می‌دهم.

مدیران و رهبران سازمان باید به این نکته توجه کنند که فراهم کردن امکانات و مقدمات انجام برنامه‌ها، تضمین‌کننده قطعیت اقدامات نیست، چون عوامل و متغیرهای دیگری وجود دارند که به راحتی می‌توانند شرایط را به گونه‌ای دیگر رقم بزنند.

عظمت وجودی انسان

قرآن کریم انسان را موجودی آسمانی - زمینی و وابسته به غنی بالذات می‌شناسد. انسان جامع همه عالم‌ها و همه عوالم سایه او شمرده می‌شوند (خمینی، شرح دعای سحر، ص ۱۲۱، ۱۳۸۱) و به این خاطر از او به «کون جامع» تعبیر شده است. این موجود ملکی - ملکوتی، مقصود اصلی و اولی از همه عوالم است و اسرار الهیه و معارف حقیقیه به واسطه او ظاهر می‌شود. او با انجام فرائض و نوافل، سمع و بصر حق و واسطه بین

حـق و خـلـق مـی شـود (خـوارزمی، ج ۱، ص ۶۶).
 تکوین انسان از نگاه قرآن سه مرحله «علمیت»، «شیئیت» و «عینیت» دارد (جوادی
 آملی، حق و تکلیف در اسلام، ص ۸۰). انسان در اولین مرحله وجودی (علم الهی) تنها
 وجود علمی دارد و اثری از او در خارج نیست؛ «وَقَدْ خَلَقْتَك مِنْ قَبْلُ وَلَمْ تَكْ شَيْئًا»
 (مریم / ۹). سپس از آن مرحله تنزل می کند و به «شیئیت» رسید؛ هر چند شیء نا چیز
 و غیر قابل ذکری بود؛ «هَلْ أَتَى عَلَى الْإِنْسَانِ حِينٌ مِنَ الدَّهْرِ لَمْ يَكُنْ شَيْئًا مَذْكُورًا»
 (انسان / 1) در همین مرحله است که قرآن حکیم به پدرها و مادرها می گوید: کار شما
 خلق فرزند نیست؛ بلکه «امناء» و نقل منی از جایی به جای دیگر است، «أَفَرَأَيْتُمْ مَا
 تُمْنُونَ ءَأَنْتُمْ تَخْلُقُونَهُ أَمْ نَحْنُ الْخَالِقُونَ» «واقعہ، ۵۹-۵۸». آیه ۱۴ از سوره مؤمنون نیز
 به مرحله سوم اشاره دارد که طبق آن انسان در عالم خارج تحقق پیدا می کند، «ثُمَّ
 أَنشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ.»
 انسان از نگاه قرآن، سه مرتبه وجودی دارد قرآن از لایه «خود حیوانی» که در شهوت
 و غضب و برخی از آرزوها و امیال نفسانی خلاصه می شود، این گونه یاد می کند:
 «وَالَّذِينَ كَفَرُوا يَتَمَتَّعُونَ وَيَأْكُلُونَ كَمَا تَأْكُلُ الْأَنْعَامُ» (محمد / ۱۲).
 در آیه ای دیگر خطاب به پیامبر (ص) می فرماید: «ذَرَهُمْ يَأْكُلُوا وَيَتَمَتَّعُوا وَيُلْهِمُ الْأَمْلُ
 فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ» (حجر / ۳)؛ «رهایشان ساز تا بخورند و بهره گیرند و آرزو [ها]
 سرگرمشان سازد؛ پس به زودی خواهند دانست.»
 انسان براساس آموزه های آسمانی در مرتبه «خودانسانی»، صاحب مقام تفکر، تعقل،
 عزم و اراده است و رسالت شکوفایی و بهره مندی حداکثری از آن را دارد. اراده در
 ساختار شخصیت انسانی نقش کلیدی دارد و باید تعدیل شود؛ زیرا انسان می تواند با
 عزمی نیرومند، مصالح خویش را بر امیال مقدم بدارد و به سیر کمالی سرعت دهد و
 بدین خاطر «متحرک بالاراده»؛ نه «متحرک بالمیل» «نامیده می شود. در قرآن کریم،
 آیات زیادی به این مرتبه از وجود انسانی اشاره دارد، مانند: «إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ
 يَتَفَكَّرُونَ» «نحل / ۱۱»؛ «وَمِنْ آيَاتِهِ يُرِيكُمُ الْبَرْقَ خَوْفًا وَطَمَعًا وَيُنزِلُ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً

فِيحْيِي بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ» «روم / ۲۴»؛ «قَدْ فَصَّلْنَا
 الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يُفْقَهُونَ» «انعام / ۹۸».
 بعد سوم از مراتب وجودی انسان که برترین خود او است، «خودِ خودِ خودِ انسان» است
 که متعلق به خودش نیست و انسان متعارف نسبت به آن امانت دار الهی است. به این
 بعد در سوره اسراء اشاره شده است. با این توضیح که، خداوند از رسیدگی به حساب و
 مورد سؤال بودن گوش، چشم و دل خبر می دهد. «وَلَا تَنْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ
 السَّمْعَ وَالْبَصَرَ كُلَّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا» «اسراء / ۳۶». براین اساس در نهانِ نهان
 انسان و در قلبِ قلبِ او موجود شریف دیگری هست و امامت «فؤاد» و زعامت قلب او در
 اختیار همان ودیعه مستور الهی است و این همان «خودِ الهی» و لایه برین انسان
 ناشناخته است.

حیطه حیات آدمی به دنیا و زندگی دنیوی او محدود نمی شود؛ بلکه زندگی مادی
 آغاز سیر زندگی اوست و مرگ انتقال از نشئه ظاهری ملکی به نشئه باطنی و ملکوتی
 است. قرآن کریم می فرماید: «يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَى رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلَاقِيهِ»
 «انشقاق / ۶».

منظور آیه این است که ای انسان! تو موجودی ابدی هستی و هرگز نابود نمی شوی .
 وقتی انسان ابدی بود و حیطه حیات او به عالم ماده محدود نشد، کارها و رفتارهای او
 هم باید بر اساس همین عقیده تنظیم شود و نظام رفتاری، مدیریتی، حقوقی اش در
 همین راستا جهت دهی و تدوین گردد. در مناجات شعبانیه اوج عروج واقعی انسان این
 گونه به تصویر کشیده شده است:

«الهی هب لی کمال الانقطاع الیک وأنر ابصار قلوبنا بضیاء نظرها الیک حتی تخرق
 أبصار القلوب حجب النور فتصل الی معدن العظمه.»

رسیدن به چنین مقامی، تنها با جمع بین حقوق و تکالیف متقابل و تأمین نیازهای
 هدایتی انسان ممکن است (ابن طاووس، اقبال الاعمال، ص ۱۹۹).

حیاتی‌ترین رسالت ما در این دوران کوشش برای یافتن بهترین ساز و کارهای تلیق آرمان‌های اعلای بشری و پیشرفت‌های ماشینی است. این اصل که «بشر رسالتی کهنه نشدنی دارد» حقیقتی است که از ماهیت انسان سر بر می‌آورد و در گفتار، کردار و اندیشه او گسترده می‌شود. رسالت انسانی اساسی‌ترین و نیرومندترین محرک او در گذرگاه تاریخ بوده است و نوع بشر از آغاز زندگی رسمی و بررسی پذیرش تا امروز، عقاید، کارها، اندیشه‌ها و آرزوهای روشنی در باره آرمان‌هایی که باید آن‌ها را به دست بیاورد، داشته است و این فعالیت‌های عقیدتی، فکری و عملی به عنوان یک بعد اساسی در برابر بعد «طبیعی محض» که کوشش‌های متنوع درباره به دست آوردن و تنظیم زندگی معمولی است، می‌باشد (جعفری، ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، ج ۱، ص ۸ - ۴).

روح انسان با شکوفا شدن ابعاد عمیق‌اش، از مجموعه متشکل الاجزاء و روابط طبیعت، روزنه‌های پرفروغی به عالم بالاتر از طبیعت می‌گشاید و با شعاع عظمت الهی، رابطه برقرار می‌کند و انسان تنها با این رابطه است که اجزای هستی را چون حساب‌هایی محدود در اقیانوس بی‌کران مشیت خدا در می‌یابد، «قُلْ لَوْ كَانَ الْبَحْرُ مِدَاداً لِكَلِمَاتِ رَبِّي لَنَفِدَ الْبَحْرُ قَبْلَ أَنْ تَنْفَدَ كَلِمَاتُ رَبِّي» «کهف / ۱۰۹»؛ «وَلَوْ أَنَّ مَا فِي الْأَرْضِ مِنْ شَجَرَةٍ أَقْلَامٌ وَالْبَحْرُ يَمُدُّهُ مِنْ بَعْدِهِ سَبْعُ أَبْحُرٍ مَا نَفِدَتْ كَلِمَاتُ اللَّهِ» «لقمان / ۲۷» (جعفری، همان، ج ۱، ص ۲۵).

نیازهای مدیریتی و هدایتی انسان

انسان، به عنوان خلیفه الهی، در مسیر هدایت و رسیدن به کمال، نیازمند راهنمایی و روشنگری خدای سبحان است، اما توان پاسخ‌گویی عقل برای تأمین نیازهای هدایتی او کفایت نمی‌کند؛ زیرا در مجموعه آموزه‌های وحیانی، حقایقی نهفته است که انسان بدون کمک وحی، توان رسیدن به آن‌ها را ندارد. «وَأَنْزَلَ اللَّهُ عَلَيْكَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَعَلَّمَكَ مَا لَمْ تَكُنْ تَعْلَمُ وَكَانَ فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكَ عَظِيمًا» «نساء / ۱۱۳» مرجعیت قرآن

کریم برای پاسخ به همه نیازهای هدایتی بشر، مسلم و مورد اتفاق مفسران عامه و خاصه است. خداوند سبحان قرآن کریم را روشنگر هر چیزی معرفی می کند که می تواند در مسیر هدایت و رسیدن انسان به کمال و سعادت قرار بگیرد. «وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً وَبُشْرَىٰ لِلْمُسْلِمِينَ»، (نحل / ۸۹).

هدایت، رهبری، مدیریت و مجموعه مسایل پیرامون آن ها، بخش عمده ای از نیازهای هدایتی انسان [۱] در زندگی فردی و اجتماعی اند که اهمیت و گستره آن، در هر دوره از زندگی نسبت به دوره های قبل آشکارتر شده است؛ زیرا برای شکوفایی ظرفیت های فطری و ظهور جلوه های خداگونگی انسان، راهی جز حضور آگاهانه، آزادانه و متعهدانه تک تک افراد بشر در عرصه های مختلف حیات اجتماعی وجود ندارد و تشکیل زندگی اجتماعی، تنها با ایجاد شبکه روابط انسانی در قالب نهادها و سازمان ها ممکن است؛ چنان که تاریخ حیات اجتماعی بشر و سیر دگرگونی و تحول جامعه ها، سندی روشن و دلیلی آشکار بر این مدعا است. اساسی ترین عنصری که انسان را از غیر انسان جدا می کند، «باید بشود» است که ناب ترین ویژگی آدمی است. اگر عمر همه جهان هستی میلیاردها میلیارد برابر عمر واقعی اش باشد، هیچ روزی فرا نخواهد رسید که یک جزء از این جهان (غیر انسان) یا کل مجموع هستی، آگاهانه و از روی احساس آزادی، جریانی به عنوان «باید بشوم» داشته باشد (جعفری، همان، ج ۱، ص ۳۵).

آموزه های وحیانی و تعلیم و تزکیه انسان در سایه تعالیم آسمانی، مطمئن ترین مسیر تبیین و ترسیم بایسته های حیات فردی و اجتماعی انسان است.

گونه شناسی مطالعات مدیریتی قرآن

پژوهش های قرآنی با نگاه مدیریتی برای کشف و تبیین مسایل و موضوع های مدیریتی قرآن و پاسخ به نیازها و پرسش های مربوط، گستره متنوع و متفاوتی دارد. قرآن پژوهی با رویکرد مدیریتی را می توان بر اساس جهت گیری محقق، روش تحقیق، موضوع و مسایل پژوهش، در محورهای چهارگانه زیر طبقه بندی کرده و سازمان داد.

1. تفسیر ترتیبی قرآن با جهت گیری استنباط و استخراج پیام های مدیریتی از آیه های

قرآن] ۱۲]

محقق در این نوع از پژوهش قرآنی تلاش می کند آیه ها را به ترتیب سوره ها و بر اساس اصول، مبانی، قواعد و ضوابط صحیح، تفسیر کند، آن گاه پیام های مدیریتی آیه ها را (در صورت امکان) استخراج و تبیین کند، سپس مجموعه این پیام ها را به تفکیک هر یک از سوره ها و بر اساس ساختار موضوع های دانش مدیریت، سازمان دهد. محقق با برقراری ارتباط بین پیام های مدیریتی همه سوره ها، «شبهه پیام های مدیریتی» قرآن را طراحی می کند و در گام بعدی می کوشد مقدمه های نظریه پردازی و نظام سازی مدیریتی به تناسب نیازها و مشکلات جامعه را فراهم آورد تا از این راه، علاوه بر فراهم شدن زمینه های رویارویی علمی با مکاتب و اندیشه های رقیب، وجوه امتیاز و برجستگی های نظام مدیریتی قرآن کریم را آشکار سازد.

2. تفسیر موضوعی قرآن با تمرکز بر موضوع های مدیریتی

این رویکرد از قرآن پژوهی به دو شیوه انجام می پذیرد.

الف. محقق مسایل و موضوع های مدیریت (اعم از مسایل و موضوعات دانش یا مسایل و موضوعاتی که مدیران در عمل با آن روبه رو می شوند) را بر اساس ساختار علمی موضوعات و در چارچوبی روشمند به قرآن عرضه می کند و با رعایت ضوابط و قواعد تفسیر صحیح، پاسخ های قرآنی را کشف و تبیین می کند.

ب. محقق مسایل و موضوع های مدیریتی را از خود قرآن استخراج می کند و پس از طبقه بندی و ایجاد نظام علمی موضوع ها، آیه های ناظر به هر یک از آن ها را شناسایی و تعیین می کند، آن گاه، به تفسیر آیه ها و کشف و تبیین پاسخ های قرآنی مشغول می شود. برداشت های تفسیری و استنباط های علمی محقق از مجموع آیات ناظر به هر یک از موضوعات و مسایل، مجموعه ای از گزاره ها را تشکیل می دهد که بر

اساس آن، مبانی، اصول، قواعد و شیوه های مدیریتی قرآن، استنباط و تبیین می شود و مقدمات نظریه پردازي و نظام سازی مدیریتی بر اساس آیات قرآن و زمینه های رویارویی علمی با اندیشه ها و مکاتب رقیب، فراهم می آید.

تاریخچه و سیر دگرگونی اندیشه اعجاز قرآن

اعجاز و معجزه از اصطلاح های کلامی و به معنای امری خارق العاده همراه با تحدی و سالم از معارضه است و خداوند آن را به دست پیامبرش پدید می آورد تا نشان راستی رسالت وی باشد. (المحصل، ص ۴۸۹)؛ (کشف الفوائد، ص ۲۷۱)؛ (المواقف، ص ۳۳۹). اصطلاح معجزه و اعجاز به این معنا در قرآن کریم به کار نرفته است؛ اما معجزه بودن قرآن کریم با الفاظی مانند: بینه و آیه «اعراف / ۷، ۷۳، ۱۰۶»، برهان «قصص / ۲۸، ۳۲»، سلطان «ابراهیم / ۱۴، ۱۱»، بصیرت «انعام / ۶، ۱۰۴» و شیء مبین «شعراء / ۲۶، ۳۰» بیان شده است. واژه معجزه در معنای مصطلح آن، برای نخستین بار در اواخر قرن اول هجری در کلامی از امام سجاد(ع) «مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۱، ص ۷۱» به کار رفت. بحث درباره اعجاز قرآن کریم به عنوان متنی مقدس که از سوی خداوند نازل شده و بشر قدرت آفریدن متنی مانند آن را ندارد، به زمان نزول آن باز می گردد و در خود قرآن کریم، در ضمن «آیات تحدی»، به آن تصریح شده است. به اعتقاد دانشمندان، هر امر خارق العاده ای معجزه نیست؛ بلکه زمانی معجزه است که:

- ۱- مدعی پیامبری آن کار خارق العاده را شاهد صدق ادعای خود معرفی کند.
- ۲- مخاطبان را به هموردی و معارضه فرا خواند.
- ۳- مخاطبان انگیزه معارضه داشته باشند.

۴- از معارضه سالم بماند (قرطبی، تفسیر، ج ۱، ص ۵۰ و ۵۱). (ر.ک. به: نصار، اعجاز القرآن، ص ۲۹۶-۲۸۶)؛ (مصباح یزدی، قرآن شناسی، ج ۱، ص ۱۴۱-۱۳۶).

بحث اعجاز قرآن به قرن دوم هجری و پس از شیخ معتزله، واصل بن عطا، (م. ۱۳۱ ق) برمی گردد. نظام معتزلی با ردّ اعجاز در نظم و تألیف قرآن، خبرهای غیبی قرآن را جنبه ای از اعجاز آن معرفی کرد. (مقالات الاسلامیین، ج ۱، ص ۳۲۱). (پس از وی جاحظ با نگارش کتاب نظم القرآن، از نظریه «اعجاز در نظم قرآن» دفاع کرد و محمد بن زید واسطی در آغاز قرن چهارم، نظریه نظم قرآن جاحظ را ادامه داد (مباحث فی اعجاز القرآن، ص ۴۱؛ اعجاز القرآن، رافعی، ص ۲۷؛ الکشاف، زمخشری، ج ۱، ص ۲). در همین قرن ابوهاشم جبایی به مخالفت شدید با نظریه نظم قرآن برخاست و فصاحت را معیار اعجاز قرآن معرفی و آن را به روانی واژگان و نیکویی معنا تفسیر کرد. وی با طرح نبود اختلاف میان آیات قرآن، جنبه دیگری از اعجاز را ارایه نمود. در نیمه دوم قرن چهارم، رمانی با تبیین ویژگی های بلاغی قرآن، اعجاز در بلاغت را برجسته کرد. خطابی دانشمند معاصر رمانی نیز با تأکید بر اعجاز در بلاغت قرآن، تأثیر گذاری آیات بر جان مخاطبان را وجه دیگری از اعجاز قرآن شمرد که پس از وی عنوان «اعجاز تأثیری» به خود گرفت (زرقانی، مناهل العرفان، ج ۲، ص ۲۸۴). باقلانی در آغاز قرن پنجم، ارائه معارفی بلند در قرآن کریم از پیامبری امّی را عنوانی دیگر از وجوه اعجاز قرآن شمرد. از آن پس تا قرن سیزدهم هجری نظریه جدیدی در بحث اعجاز قرآن ارائه نشد. در دوره معاصر نیز، قرآن پژوهان با پذیرش بدیهی بودن اصل اعجاز قرآن و دوری از مجادله های کلامی، تحلیل و تبیین وجوه مختلف اعجاز قرآن را مورد تأکید قرار داده اند و اعجاز در تشریحات و اعجاز آهنگ و موسیقی برخاسته از نظم الهی کلمات قرآن را نیز از دیگر وجوه اعجاز دانسته اند. (تفسیر ماوردی، ج ۱، ص ۳۳-۳۰؛ التسهیل، ج ۱، ص ۱۴؛ زرکشی، البرهان فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۲۳۹-۲۲۶).

اسرار علمی و شگفتی های جهان طبیعت که در بسیاری از آیات قرآن کریم تصریح یا اشاره شده است، سر آغاز بحث های علمی فراوان قرار گرفت و دانشمندان و قرآن پژوهان زیادی را به خود مشغول کرد. برخی هم چون غزالی در جواهر القرآن و احیاء

العلوم با این اعتقاد که همه علوم و معارف بشری در قرآن هست تلاش های زیادی را برای استخراج دانش ها از قرآن تحمل کردند و دچار تأویل، تطبیق، تحمیل یا تفسیر به رأی شدند. بعضی دیگر مانند ذهبی، امین بکری و عبدالسلام عبدالمجید محتسب، استخراج علوم از آیات قرآن را هدف تفسیر علمی خواندند و بعضی دیگر مانند احمد عمر ابوججر و فهد بن عبدالرحمن رومی، اثبات اعجاز قرآن و کشف سَرّی از اسرار اعجازی آن را غایت و غرض تفسیر علمی شمردند. نظریه اعجاز علمی قرآن که از دست آوردهای تفسیر علمی است، برای نخستین بار، از سوی رشیدرضا در المنار (رشیدرضا، تفسیر المنار، ج ۱، ص 213-۲۱۰) و سپس طنطاوی در جواهر القرآن که رویکردی بی سابقه به کشفیات علوم تجربی در زمینه های مختلف و تطبیق آن ها بر قرآن کریم داشتند، مطرح شد. این وجه از اعجاز قرآن، با استقبال گسترده دانشمندان اسلامی روبه رو شد و تاکنون آثار فراوانی درباره آن تألیف شده است. در دهه های اخیر «نظریه نظم ریاضی قرآن» و «اعجاز عددی» نیز، از سوی رشاد خلیفه (پژوهش گر مصری با دکترای بیوشیمی) به عنوان یکی از زیرشاخه های اعجاز علمی به دایره وجوه اعجاز قرآن افزوده شد؛ البته تلاش هایی نیز برای تبیین و اثبات اعجاز اقتصادی و اعجاز تربیتی قرآن انجام گرفته است و ادامه دارد؛ اما در خصوص اعجاز مدیریتی قرآن، هنوز بحثی مطرح نشده و برای اولین بار در این پژوهش تلاش می شود مباحثی روشمند و مستند پیرامون آن ارائه شود.

مفهوم شناسی اعجاز قرآن کریم در حوزه مدیریت و رهبری

دو تبیین و تصویر مستقل از اعجاز مدیریتی قرآن وجود دارد.

در یک نگاه، منظور از وجود آیات و آموزه هایی در قرآن است که مطالب و دقائق علمی را در قلمرو مسایل و موضوعات دانشی سازمان و مدیریت مطرح کرده اند؛ اعم از مطالب علمی که تاکنون از سوی دانش کشف و تبیین شده است. بدیهی است که وجود چنین مطالب علمی در قرآن، نوعی رازگویی علمی در این عرصه از دانش

بشری شمرده می شود و کشف و تبیین آن ها از سوی دانشمندان، و حیانی بودن قرآن و صدق رسالت و پیام آوری نبی اکرم ۹ از سوی خدا را اثبات می کند. در نگاه دوم منظور این است که قرآن کریم از زمان نزول تاکنون در حوزه مدیریت و رهبری انسان و جامعه کارکرد اعجاز گونه داشته و جلوه هایی از اعجاز خود را در پرورش مدیران و نهادسازی و هدایت و رهبری نهادها و سازمان ها به اثبات رسانده است. شخصیت عظیم پیامبر گرامی و ائمه عصمت و طهارت - صلوات الله و سلامه علیهم اجمعین - و تحول چشمگیر جامعه عربستان و شکل گرفتن کانون های عشق و ایمان و جهاد و شهادت در طول تاریخ اسلام از بارزترین مصادیق اعجاز مدیریت قرآنی می باشد. فراخوانی مخاطبان به همآوردی و معارضه، ایجاد انگیزه برای معارضه و اقدام و رویارویی عملی آنان با قرآن، تسلیم شدن معارضان در برابر قرآن و عجز آنان از آوردن مثل آن، پیش بینی قطعی نوع رویارویی و معارضه مخاطبان با قرآن و پیامبر، پاسخ به شبهه های مخالفان عصر نزول (قدرت تصمیم و اقدام)، رفع زمینه شبهه های قطعی الوقوع از سوی معاندان (قدرت پیش بینی آینده و برنامه ریزی اقدام و رویارویی مؤثر)، عرضه محتوای هماهنگ با فطرت بشری و متناسب با همه نمودهای عینی آن، بیان نمادین و رمزگونه از سبک های متنوع و موفق هدایت، رهبری و مدیریت پیامبران، اشاره های دقیق و علمی به مبانی و گونه های رفتار مؤمنان، کفار و منافقان، ایجاد نظام معنایی جامع و جاودانه برای جذب، هدایت و رهبری انسان ها، پرورش انسان های وارسته، رهبرانی مقتدر و پیروانی ثابت قدم، رویارویی پیروزمندانه با مکاتب و اندیشه های رقیب و انحرافی، زدودن نقاب از باطل های حق نما و... از جمله نشانه های رهگیری و تبیین اعجاز مدیریتی قرآن کریم است.

شاخص های مدیریت و رهبری قرآن

آن چه طی قرون متمادی، فوق العاده بودن و برجستگی عمل و اندیشه مدیریتی قرآن کریم را نمایان کرده، مجموعه عواملی است که کشف و تبیین آن از سوی دانش سازمان و مدیریت هنوز بسیار زود است و به یقین بدون یاری آموزه های وحیانی، انتظار دسترسی به اسرار و شگفتی های نهفته در فرآیندهای مدیریت و رهبری قرآن، غیر معقول و دور از انتظار است.

عناصری چون فطرت، ایمان، شهود، وجهه خلیفه الهی انسان، امدادهای غیبی، ربوبیت تکوینی و تشریحی، دو ساحتی بودن [ساحت ملکی و ساحت ملکوتی] پدیده های جهان مادی [اعم از پدیده های طبیعی و واقعیت های اجتماعی]، هدفمندی و یک پارچگی جهان هستی، پیوستگی و نظام مندی جهان طبیعت و مجردات، ارتباط وثیق و عمیق امور دنیوی و اخروی و... از جمله اموری اند که به عنوان وجوه امتیاز و عوامل تعیین کننده در فرآیندهای رهبری و مدیریت قرآن کریم و نظام های معرفتی و رفتاری برخاسته از آن، نقش آفرینی می کنند. ارتباط و انس هر چه بیشتر انسان و جامعه با آیات قرآن، زمینه ها و ظرفیت های تجلی کلام الهی در عمل و اندیشه تک تک افراد جامعه و شبکه روابط و مناسبات اجتماعی را فراهم می کند «زمر / ۳»، استعداد اطاعت متعهدانه و مبتنی بر شهود قلبی و معرفت عقلانی افراد، گروه ها، نهادها و سازمان ها از کلام الهی و ائمه معصومان: را شکوفا می نماید «بقره / ۲۸۵»؛ «آل عمران / ۸»، تا جلوه های خداگونگی در اندیشه، رفتار و گفتار آحاد افراد جامعه و هر یک از نهادها و سازمان ها برجسته شود «فرقان / ۷۶-۶۳» و شواهد، مستندات و نشانه های اعجاز مدیریتی قرآن کریم آشکار و برتری و خارق العاده بودن عمل و اندیشه مدیریتی قرآن کریم مستند و مستدل شود.

جلوه هایی از نفوذ و اثربخشی مدیریت قرآن

با درنگی اجمالی در سخنان گوهر بار امیر کلام علی ۷ با گزاره هایی در بیان حقیقت قرآن روبه رو می شویم که هر کدام می تواند راهنمای روشنی برای کشف، احراز و

تسین وجهی از وجوه اعجاز مدیریتی قرآن یا اعجاز مدیریت در قرآن و استدلال به آن ها باشد.

1. نورانی بودن قرآن کریم

پیامبر (ص) با نوری هدایتگر انسان ها شد که همه باید از آن اطاعت نمایند و آن نور، قرآن کریم است «نهج البلاغه، خ ۱۵۸».

خداوند نورانیت قرآن را تمام، و دین خود را به وسیله آن کامل کرد «همان، خ ۱۸۳».

قرآن نوری است که خاموشی ندارد و چراغی است که درخشندگی آن زوال نمی پذیرد «همان، خ ۱۹۸».

شعله‌ای است که نور آن تاریک نمی شود «همان، خ ۱۹۸».

نوری است که با وجود آن، تاریکی یافت نمی شود «همان، خ ۱۹۸».

بدون آن تاریکی ها، بر طرف نمی شود «همان، خ ۱۸».

نوری آشکار و درمانی سودمند است که تشنگی را فرو می نشاند «همان، خ ۱۵۶».

2. استواری و هدایت گری قرآن کریم

قرآن خانه‌ای است که ستون‌های آن هرگز فرو نمی ریزد «همان، خ ۱۳۳».

بنایی است که ستون‌های آن خراب نمی شود «همان، خ ۱۹۸».

معدن ایمان و اصل آن است «همان، خ ۱۹۸».

پایه‌های اسلام و ستون‌های محکم آن است «همان، خ ۱۹۸».

سرچشمه عدالت و نهر جاری عدل است «همان، خ ۱۹۸».

هدایتگری است که نیکی و بدی و خیر و شر را آشکارا بیان می کند «همان، خ ۱۶۷».

راهنمای گویا و دستوری استوار است «همان، خ ۱۶۹».

نشانه هدایت برای کسی است که در آن بنگرد «همان، خ ۱۹۸».

کسی با قرآن همنشین نشد؛ مگر آن که در هدایت او افزود و از کوردلی و گمراهی‌اش کاست «همان، خ ۱۷۶».

کسی با داشتن قرآن، نیازی ندارد و بدون آن، هرگز بی‌نیاز نخواهد بود «همان، خ ۱۷۶».

نجات دهنده کسی است که حافظ قرآن باشد و به آن عمل کند «همان، خ ۱۹۸».

3. ژرفای شگفت انگیز قرآن کریم

قرآن دریایی است که ژرفای آن درک نمی‌شود «همان، خ ۱۹۸».

چشمه‌های دانش و دریاهای علوم است «همان، خ ۱۹۸».

نهرهای زلال و جاری حقیقت، و سرزمین‌های آن است «همان، خ ۱۹۸».

دارای ظاهری زیبا و باطنی ژرف و ناپیداست، مطالب شگفت‌آور آن تمام نمی‌شود، و اسرار نهفته‌اش پایان نمی‌پذیرد «همان، خ ۱۸».

فرو نشاننده عطش علمی دانشمندان، و باران بهاری برای قلب فقیهان، و راه گسترده برای صالحان است «همان، خ ۱۹۸».

دریایی است که تشنگان، تمام آب را نمی‌توانند بکشند و چشمه‌ای است که آب آن کاستی نمی‌پذیرد و محل برداشت آبی است که هرچه از آن بگیرند، کاهش نمی‌یابد «همان، خ ۱۹۸».

4. شفا بخشی قرآن کریم

در سختی‌ها از قرآن یاری بجویید، «همان، خ ۱۷۶».

درمان خود را از قرآن بخواهید «همان، خ ۱۷۶».

درمان بزرگ ترین بیماری‌ها یعنی کفر و نفاق و سرکشی و گمراهی هست «همان، خ
۱۷۶».

قرآن شفابخش دردهای انسان است «همان، خ ۱۵۸».

از نور آن شفا و بهبودی بخواهید؛ زیرا شفای سینه‌های بیمار است «همان، خ ۱۱۰».
شفا دهنده‌ای است که بیماری‌های وحشت‌انگیز را می‌زداید «همان، خ ۱۹۸».
دارویی است که با وجود آن بیماری وجود ندارد «همان، خ ۱۹۸».

5. جامعیت و مرجعیت قرآن کریم

قرآن سامان دهنده امور فردی و اجتماعی انسان هاست «همان، خ ۱۵۸».
جامع علم آینده، و حدیث گذشته است «همان، خ ۱۵۸».
اخبار گذشتگان و آیندگان و احکام مورد نیاز زندگی انسان‌ها را در خود جای داده
است «همان، ح ۳۱۳».

از قرآن پیروی کنید، با قرآن خدا را بشناسید، و خویشتن را با آن اندرز دهید، و رأی
و نظر خود را در برابرش متهم کنید، و خواسته‌های خود را که با آن مطابق نیستند،
نادرست بشمارید «همان، خ ۱۷۶».

خواسته‌های خود را به وسیله قرآن از خدا بخواهید، و با دوستی قرآن، به خدا روی
آورید، و با وجود آن، از خلق خدا چیزی نخواهید؛ زیرا وسیله‌ای، برای تقرب بندگان
به خدا، بهتر از قرآن وجود ندارد «همان، خ ۱۷۶».

شفاعت قرآن پذیرفته و سخن آن تصدیق می‌شود. آن کس که قرآن در قیامت شفاعت
اش کند، بخشوده می‌شود، و آن کس که قرآن از او شکایت کند، محکوم است (در روز
قیامت ندا دهنده‌ای بانگ می‌زند که: «آگاه باشید امروز هر کس گرفتار بذری است که

کاشته و دچار عملی است که انجام داده است؛ جز اعمال منطبق با قرآن» «همان، خ
۱۷۶.»

6. سخن گویی و بازدارندگی قرآن کریم

قرآن فرماندهی بازدارنده است؛ «همان، خ ۱۸۳.»

ساکتی گویا و حجت خدا بر آفریده ها است «همان، خ ۱۸۳.»

سخن گویی است با زبان گویا که هیچ گاه از حق گویی کند و خسته نمی شود «همان، خ
۱۳۳.»

سخن گویی که هرگز دروغ نمی گوید «همان، خ ۱۷۶.»

کسی که با قرآن سخن بگوید، راست گفته و هر کسی بدان عمل کند، پیشتاز است
«همان، خ ۱۵۶.»

کتابی است که تکرار و شنیدن پیاپی آیات، کهنه اش نمی سازد، و گوش از شنیدن آن
خسته نمی شود «همان، خ ۱۵۶.»

پنددهنده ای است که نمی فریبد، و هدایت کننده ای است که گمراه نمی سازد «همان، خ
۱۷۶.»

جداکننده حق از باطل است و درخشش برهان آن خاموش نمی گردد «همان، خ
۱۹۸.»

برهانی است برای کسی که با آن سخن بگوید «همان، خ ۱۹۸.»

عامل پیروزی است برای کسی که با آن استدلال کند، «همان، خ ۱۹۸.»

7. عزت و شکست ناپذیری قرآن کریم

قرآن؛ صاحب عزّتی است که یاران آن هرگز شکست نمی‌خورند «همان، خ ۱۳۳».

قدرت برای کسی است که آن را برگزیند «همان، خ ۱۹۸».

قدرتی است که یاوران آن شکست ندارند، «همان، خ ۱۹۸».

محل امن برای هرکس است که وارد آن شود «همان، خ ۱۹۸».

سپر نگهدارنده ایی است برای کسی که خود را با آن بپوشاند «همان، خ ۱۹۸».

ریسمان محکم الهی است «همان، خ ۱۵۶».

ریسمانی است که رشته‌های آن محکم است «همان، خ ۱۹۸».

پناهگاهی است که قلّه‌های آن بلند است «همان، خ ۱۹۸».

نگهدارنده کسی است که به آن تمسک جوید و نجات دهنده کسی است که به آن چنگ زند «همان، خ ۱۵۶».

حقّی است که یاری کنندگان آن مغلوب نمی‌شوند «همان، خ ۱۹۸».

8. خزانه داران علوم و معارف قرآن کریم

پیامبر(ص) زبان گویای قرآن است «همان، خ ۱۵۸».

ما اهل بیت پیامبر(ص) خزانه داران علوم و معارف وحی، و درّهای ورود به آن معارف، می‌باشیم «همان، خ ۱۵۴».

اهل بیت پیامبر(ص) گنجینه‌های علوم خداوند رحمان اند، اگر سخن بگویند، راست می‌گویند، و اگر سکوت کنند، هرگز کسی بر آنان پیشی نمی‌جوید؛ «همان، خ ۱۵۴».

وقتی حضرت مهدی(عج) ظهور کنند، خواسته‌ها را تابع هدایت وحی می‌کند؛ هنگامی که مردم هدایت را تابع هوس‌های خویش قرار می‌دهند؛ (در حالی که به نام تفسیر نظریه‌های گوناگون خود را بر قرآن تحمیل می‌کنند، او نظریه‌ها و اندیشه‌ها را تابع قرآن می‌سازد) «همان، خ ۱۳۸».

چیستی نظریه

اندیشمندان برداشت‌ها و تفسیرهای متفاوتی از نظریه دارند، مانند:

1- نظریه، مجموعه‌ای به هم پیوسته از سازه‌ها (Constructs)، مفاهیم (Concepts)، تعاریف و قضایاست که برای تبیین و پیش‌بینی پدیده‌ها، از راه تشخیص روابط بین متغیرها، یک نظر نظام‌دار درباره این پدیده‌ها ارائه می‌دهد. (هومن، شناخت روش علمی در علوم رفتاری، ص ۱۱).

2- نظریه مجموعه‌ای از تعریف‌ها و پیشنهادها درباره تعدادی متغیر به هم پیوسته است، که همه این تعریف‌ها و پیشنهادها، بعد منظم و مدونی از وقایع و پدیده‌هایی را که در اثر همبستگی‌ها و تداخل این متغیرها به وجود می‌آید، ارائه می‌دهد (نادری - نراقی، ۳۲).

3- نظریه‌ها، در واقع دام‌هایی اند که ما برای آن گسترده‌ایم تا آن چه را که «جهان» نامیده می‌شود، صید کنیم تا حلقه‌های شبکه دام را تنگ‌تر و تنگ‌تر سازیم (پویر، ۶۳).

4- تئوری بیان‌کننده مجموعه‌ای از مفاهیم یا فرض‌هایی است که به صورت سیستماتیک توجیه کرد (رایینز، تئوری سازمان، ۴۷).

5- مجموعه‌ای از بیانیه‌هایی است که بر مبنای قواعد منطقی و مبین بخشی از واقعیت هستند. (همو، ص ۹۵).

بنابراین در نگاهی کلی و جامع می‌توان گفت: نظریه [۳] بیانی منظم، انتزاعی، موجز، متشکل از قضایا، مستدل و منطقی، مبتنی بر یک سلسله مطالعات علمی، مبین یک اصل کلی یا مجموعه‌ای از اصول مربوط به چگونگی و چرایی واقعیت‌ها یا رویدادها در سطح خرد یا کلان است.

هر نظریه تنها انعکاس دهنده و تبیین کننده بخشی از واقعیت است که در یک کلیت به هم پیوسته، فهم می شود. یک نظریه معمولاً چهار بُعد شناختی (معرفت ناظر به واقع)، عاطفی (تجسم تجربه و احساسات نظریه پرداز)، بازاندیشی (شیوه ای برای درک واقعیات) و هنجاری (ارائه مفروض های پنهان و آشکار در این که واقعیت باید چگونه باشد) دارد.

کار اصلی یک نظریه تبیین و در مرحله بعد تعمیم (و بر همین اساس، اعطای قدرت پیش بینی) است. تبیین انواعی دارد که مهم ترین و پرکاربردترین آن تبیین علی است. هر نظریه معمولاً امکان طرح پرسش ها و فرضیه های جدیدی درباره واقعیت را برای محقق فراهم می سازد. (شرف الدین، ماهیت و چیستی نظریه، ص ۳-۱). عمده کارکردهای مورد انتظار از یک نظریه عبارت است از:

1. محدود ساختن افق دید و گستره علایق محقق و جهت دادن به آن در تمرکز بر پدیده های خاص یا بخش هایی از یک پدیده.
2. تعیین و مشخص ساختن مسیر مطالعات علمی با انواع اطلاعات مربوط.
3. امکان یابی ربط اطلاعات مربوط به یک دیگر و طبقه بندی آن ها.
4. امکان دهی به توصیف و تبیین پدیده ها: اساسی ترین کاربرد یک نظریه، توضیح مجموع پدیده هایی است که نظریه معطوف بدان است.
5. امکان دهی به تعمیم اطلاعات و نتایج به دست آمده به پدیده های مشابه.
6. پیش بینی حقایق و واقعیات: یک نظریه به محقق امکان می دهد تا موارد مشاهده نشده، مرتبط را پیش بینی کند.

7. زمینه سازی برای طرح فرضیات جدید.

8. آشکار ساختن و کشف شکاف های موجود در دانش بشری: نظریه ها، ابزارهای

مناسبی برای روشن ساختن وضعیت موجود یک حوزه معرفتی اند.

9. امکان دهی به توجیه پدیده ها با حداکثر احتمال (همو، ص ۵).
یک نظریه علمی و پذیرفتنی باید این ویژگی ها را داشته باشد:
1- استحکام درونی، قضایای همگام و غیرمتضاد داشته باشد، سوء تفاهم و ابهام ایجاد نکند، تناقض محتوایی نداشته باشد، فرضیات آن با یک دیگر سازگار و اصطلاحات به کار رفته در آن بی ابهام باشند و قضایای آن از استحکام و تداوم منطقی برخوردار باشند.

2. استحکام برونی، قضایای آن با موازین دنیای خارج، که در واقع محک‌های استنباطات پژوهشی (Research Inferecce) شمرده می شوند، تطبیق پذیر باشند.
3. مستندات قوی، به مجموعه قابل توجهی از اطلاعات، مستندات و شواهد متقن تکیه کند.

د- قابلیت سنجش، قابلیت سنجش داشته باشد و با ارجاع به مستندات و شواهد مختلف، آمادگی لازم برای تایید یا رد را داشته باشد.
4. عملیاتی بودن، در جهان واقع قابل اعمال و بهره گیری باشد، با واقعیات مشهود رابطه برقرار کند و به عبارتی از حالت نظری و تجریدی خارج شود. برخی این ویژگی را در ذیل «آزمون پذیری» ذکر کرده اند. در آزمون پذیری یک نظریه، برخی فیلسوفان علم، قابلیت ابطال (ابطال پذیری) و برخی تأیید و اثبات (اثبات پذیری) توسط شواهد تجربی را شاخص مقبولیت و اعتبار آن ذکر کرده اند.
5. قابلیت تعمیم، تا حد امکان، عمومیت داشته و به کلیه موارد مشابه تعمیم پذیر باشد.
6. صرفه جویی علمی، تا حد امکان موجز و مختصر باشد و با حداقل فرضیات و مفاهیم به شرح و تبیین موضوع مورد نظر پردازد. (همو، ص ۹-۸).

پیش نیازهای نظریه اعجاز مدیریتی قرآن

الف) نگاه کارکردی به قرآن؛ اولین پیش نیاز نظریه اعجاز مدیریتی قرآن

بخشی از کارکردهای مدیریتی قرآن که حقیقتی زنده و آسمانی است و با ساختار لفظی معین در قالب کتابی مشخص و در دوره زمانی محدود (۲۳ سال) از لوح محفوظ و جهان ملکوت به عالم ماده تنزل یافته، عبارت است از:

1. تنها نظامی (ساختار معنایی) است که معنویت را در همه جهات مادی فرد، سازمان، حکومت و جامعه منعکس و نهادینه می‌کند.
2. شبکه معرفتی جامع و جاودانه‌ای است که در جذب افراد انسانی و هدایت و رهبری آنان در مسیر اهداف و روشن کردن راه سعادت و نقاب زدایی از چهره باطل، همه جهان را به مبارزه طلبیده است.
3. راهنما و راهبر بی نظیری است که با نشانه‌های آشکار و پنهان استوار و متانت گفتار و عفت بیان، در قرن‌های متمادی، در پرورش انسان‌های وارسته، رهبران مقتدر، پیروان ثابت قدم و نیز ایجاد نهادها و ساختارهای کارآمد و آفرینش فرهنگ‌های الهام‌بخش، نقش آفرینی کرده است.
4. تنها کانون معرفت و معنویت است که با گشودن چشمه‌های دانش و جاری کردن نهرهای زلال حقیقت به روی بشر، نمادهای جهالت و ضلالت و یاران فساد، استبداد و استعمار را افشا کرده و ارزش‌های متعالی را با ردیلت‌ها و شقاوت‌ها جایگزین کرده است.

۵. عزت و شوکت دارد که با تکریم نفوس و صیانت از حقوق و بسط آزادی‌های معنوی، جامعه‌ای بزرگ و امتی نمونه و عظیم را بنا نهاد که هنوز سرآمد جوامع بشری و الگوی مصلحان اجتماعی و آزادی‌خواهان عدالت‌گستر در سراسر عالم است.

۶. رهبر و هدایت‌کننده‌ای است که بانفوذ در اعماق دل و جان، روح انسان‌ها را از اعجاب و تحسین‌پریمی سازد و به پیروان خود می‌آموزد که سست نشوند، غمگین نباشند، و با ایجاد و گسترش عدالت اجتماعی، امید، نشاط، استقامت و پایداری، انواع قدرت‌ها را تحصیل کنند که سرانجام، پیروزی قطعی و عزت و دولت پایدار برای آن

هاست؛ اگر ایمان آوردند و به توصیه های آن عمل کنند.
7. سخن گویی با زبان گویا است که همه فتنه ها، توطئه ها و هجمه های مخالفان در طول تاریخ را که با هدف تحریف قرآن و انزوای اندیشه های توحیدی برنامه ریزی و سازماندهی می شد، به شکست و رسوایی کشانده است. بنابراین قرآن کریم که معجزه ای زنده و گویا است مانند خورشید تابان و دریای جوشان، در همه شرایط زمانی و مکانی، رسالت هدایت، رهبری و مدیریت اثربخش خود را به طور کامل انجام داده است و همچنان برای آینده تارخ بشریت، راهنمای مطمئن و راهبری مقتدر است «إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ».

ب) جواز تفسیر علمی [۴] قرآن

رویکردهای مختلفی درباره تفسیر علمی قرآن وجود دارد، اما مقصود ما موارد زیر است.

1. جواز استخدام علوم و امکان کمک گرفتن از یافته های دانش برای توضیح مفاد و مقصود از آیات قرآن.

2. امکان استخراج و استنباط مطالب علمی (کشفیات جدید علوم) از آیات قرآن.

3. امکان پاسخ گویی قرآن به پرسش ها و ابهام هایی که از سوی علوم در مورد محتوای آیات مطرح می شود.

4. امکان استنباط مطالب علمی به مناسبت محتوای آیات.

ج) وجود آیات مدیریتی قرآن کریم

وجود آیات مدیریتی در قرآن، شرط لازم امکان یا جواز تفسیر مدیریتی است که می تواند یکی از شاخه های تفسیر علمی نیز شمرده شود. برای دست یابی به تفسیر

مدیریتی معتبر، مراحلی به شرح زیر را می توان مطرح کرد و به بحث و بررسی عالمانه آن با رویکرد انتقادی پرداخت.

1. تعریف و طبقه بندی آیات مدیریتی قرآن؛
2. تعمیم ق فہم و گسترش مدلول آیات؛
3. استخراج مضمون ها، مفاهیم و پیام های مدیریتی آیات؛
4. استنباط و تبیین مطالب علمی مدیریت از آیات (مبانی، اصول، قواعد، مسایل، روش ها و...):

5. مدل سازی و نظام پردازی بر اساس مجموعه آیات مدیریتی قرآن؛
6. رویارویی علمی با اندیشه ها و مکاتب رقیب و پاسخ گویی به شبهه ها و ابهام ها پیرامون محتوای آیات.

رویکرد نظریه اعجاز مدیریتی قرآن

نظریه اعجاز مدیریتی قرآن کریم، پیشینه تاریخی، آرا و دیدگاه های اندیشمندان موافق و مخالف اعجاز قرآن (به ویژه اعجاز علمی قرآن) را به چالش می کشاند و مبانی آنان را با رویکرد انتقادی، تحلیل و بررسی می نماید و با جمع آوری و تحلیل محتوایی اسناد و شواهد قرآنی، روایی، تاریخی، کلامی، فلسفی و بهره گرفتن از دانش تخصصی مدیریت و سازمان، نشان می دهد که قرآن کریم برای اداره انسان، جامعه، حکومت، نهادها و سازمان ها (اعم از نهادهایی که در طول تاریخ زندگی بشر شکل گرفته است و سازمان هایی که هر روز به تنوع، گستردگی و پیچیدگی آن ها افزوده می شود)، مبانی، اصول، قواعد، مسایل و شیوه هایی دارد.

- 1- خارق العاده و فراتر از افق عقل و تجربه بشری است؛
- 2- از هیچ فرد یا گروه انسانی حتی نوابغ جهان ساخته نیست و دانش تخصصی موجود، تنها به بخشی از آن ها دست یافته است؛
- 3- از نظر زمان، مکان، کیفیت، نوع و دیگر شرایط محیطی، به هیچ فرد، گروه، جامعه

یاد دوره ای از حیات بشری محدود نیست؛
4- برای همه افراد، گروه ها، سازمان ها، حکومت ها، جوامع و دوره های حیات انسانی نتیجه بخش و راه گشا است؛
5- از انسجام و توانایی فوق العاده برای تعامل الهام بخش، سازنده و رویارویی مقتدرانه با هر مکتب و اندیشه مدیریتی معارض برخوردار می باشد و شکست ناپذیر است؛ زیرا از نیروی لایزال و نامحدود خداوند علیم و حکیم سرچشمه گرفته و پیوسته به آن متکی است.

فرضیه های نظریه اعجاز مدیریتی قرآن

بشر در چگونگی اداره خود و دیگران و مدیریت گروه ها، نهادها، سازمان ها، حکومت ها و جوامع، نیازمند آموزه های وحیانی است و یافته های تجربی و دستاوردهای عقلانی به تنهایی برای اداره آن ها کفایت نمی کند. هم چنین شیوه های هدایت، رهبری و مدیریت قرآن کریم برخاسته از اسباب و علل فراطبیعی و فراتر از نیروی محدود بشری است؛ تسلط بر فرآیند هدایت، رهبری و مدیریت قرآن فراتر از محدوده توان انسان عادی است و نیازمند تبیین و تفسیر پیامبر اکرم (ص) و ائمه معصوم: می باشد و این بُعد از اعجاز کلام الهی، به عنوان نظریه اعجاز مدیریتی قرآن کریم قابل اثبات و تبیین علمی و کاربردی است.
در چارچوب نظریه اعجاز مدیریتی قرآن، نظام های عقلانی - معرفتی و نظام های رفتاری - تجربی کارآمد و اثربخش (و ممتاز از آن چه که در حوزه عقل و تجربه مطرح شده است) به تناسب هر یک از جوامع و دوره های حیات بشری قابل کشف و تبیین است.

خواجه نصیر تأکید تام و تمامی بر تربیت پذیری انسان دارد و زندگی آنی او را منوط به تربیت او می داند. او برای تمام ویژگی های انسانی صفات متضادی را برمی شمرد و

راه های تبدیل رذائلی مانند ترس و جبر ، بخل و گستاخی و بی حیایی و رقیبت را به فضائلی مانند شهادت ، ایثار ، تواضع و حریت بیان می کند و می گوید که هر کس می تواند خود را بسازد و به آنچه می خواهد برسد.

اصول و ارکان مهم مدیریت :

1- برنامه ریزی : برنامه ریزی عبارت است از تعیین اهداف و تدارک فعالیتها ، امکانات و وسایل برای تحقق اهداف ، مدیر در صورتی می تواند کاری را درست انجام دهد که قبل از انجام آن بداند که می خواهد به چه چیزی دست یابد .
طرح کار روزانه : ۱- تعیین وظایفی که هر روز باید انجام شود ۲۰- اولویت بندی وظایف روزانه ۳- انجام دادن وظیفه بر اساس اولویت بندی انجام شده در زمان مشخص ۴- بازنگری و ارزشیابی عملکرد روزانه و استفاده از نتایج آن برای اصلاح برنامه

2- سازماندهی : فراگرد سازماندهی یعنی جریان نظم و ترتیب دادن به کار و فعالیت ، تقسیم و تکلیف آن به افراد به منظور انجام دادن کار و تحقق هدفهای معین.
چنانکه در قرآن (آیه ۲۰ سوره نمل) آمده است:
« وَ تَقَى دَاطَآءَ يَرْفَقَال مَالِي لَا أَرِي الْهَدُودَام كَانِ مِنَ الْغَائِبِينَ »
« سلیمان در جستجوی پرنده (هدهد) بر آمد و گفت چرا هدهد را نمی بینم یا اینکه از غایبان است » .

در آیه فوق به فرازی از زندگی شگفت انگیز سلیمان اشاره کرده است و ماجرای هدهد و ملکه سبا را بازگو می کند.

(درسهای آموزنده این آیه و تأثیر آن در زندگی همه انسانها و روند همه حکومتها)

۱- رئیس حکومت یا یک مدیر باید آنچنان در سازمان تشکیلاتی خود دقیق باشد که حتی غیبت یک فرد عادی و کوچک را احساس و پیگیری کند.

2- مراقب تخلف یک فرد باشد و برای اینکه روی دیگران اثر نگذارد محکم کاری کند و پیشگیری لازم را بعمل آورد.

۲- 3- هرگز کسی را نباید غیاباً محاکمه کرد. باید اجازه داد در صورت امکان از خودش دفاع کند.

۳- باید جریمه به مقدار جرم باشد و برای هر جرمی مجازات متناسبی در نظر گرفته شود و سلسله مراتب رعایت گردد.

۴- 3- هدایت و رهبری: وظیفه هدایت و رهبری ایجاب می کند که مدیران همواره با کارکنان خود در کنش و واکنش متقابل قرار گیرند. رهبری در مدیریت، فراگرد اثر گذاری و نفوذ در رفتار اعضای سازمان برای یاری و هدایت آنها در ایفای وظایفشان است.

۵- 4- نظارت و کنترل: نظارت و کنترل مرحله ای از مدیریت است که در آن باید معلوم شود که آیا هدف های سازمانی تحقق پیدا کرده اند یا نه، به عبارت دیگر، نظارت و کنترل، فراگرد ارزشیابی عملکرد فردی و سازمانی است. مدیریت خوب مستلزم نظارت و کنترل مؤثر است. کنترل فراگردی است که چهار مرحله دارد:

الف- تعیین ملاکها و روشهای سنجش عملکردها. ب- نظارت بر عملکردها و سنجش و اندازه گیری آنها. ج- بازنگری یا مقایسه نتایج حاصله از سنجش عملکرد با ملاکها و اهداف تعیین شده. د- اقداماتی برای تصحیح عملکرد.

5- هماهنگی و ارتباطات: در امر برقراری ارتباط مؤثر در مدیریت رعایت نکات زیر ضروری است:

۱- هر مدیری در درجه اول باید بداند که با ارتباط به چه چیزی می خواهد دست یابد (هدف و منظور پیام برای او دقیقاً روشن باشد)

۲- 2- پیام را بدون هیچ ابهام و پیچیدگی در قالب علائم و نشانه های قابل تشخیص و درک ارسال نماید.

۳- 3- قابلیت پذیرش پیام از سوی مخاطبان را بررسی کند.

۴- مجرا یا رسانه ای را که برای انتقال پیام مناسب است با توجه به شرایط زمانی و مکانی انتخاب کند.

۵- به تأثیر دریافت و درک پیام در نزد افراد مخاطب توجه کند از نظر قرآن مدیر باید یک انسان کامل، جامع و برتر از دیگران باشد. چرا که نقش تربیتی و محوری مدیر بسیار برجسته و پرارزش است بنابراین هماهنگ کننده و کنترل کننده امور یک جامعه باید دارای صفات عالی باشد.

۶- فضائل و صفات اخلاقی مدیر در قرآن: ۱- حسن خلق ۲- دلسوزی ۳- تقوا ۴- تواضع و فروتنی زینت مدیریت ۵- امانتداری ۶- بی اعتنایی به مادیات ۷- دارای بصیرت ۸- صبر و شکیبایی ۹- صداقت ۱۰ شرح صدر.

۷- 1- حسن خلق: یکی از ارکان اساسی سعادت و بهروزی در زندگی مادی و معنوی بشر محاسن و مکارم اخلاقی است. قرآن کریم کتاب آسمانی مسلمین با بیان سرگذشت اقوامی همچون لوط، هود، صالح، موسی، سلیمان، عیسی، و... در قالب داستان و قصه در واقع، نمایشگر بخشی از زیبایی‌ها و زشتی‌های اخلاقی و تأثیر آن در پیروزی و شکست امت‌های پیشین می‌باشد رسول خدا می‌فرماید: « شما را به مکارم اخلاق توصیه می‌کنم زیرا خدا مرا به همین منظور فرستاده است (اِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ اخْلَاقِ)

(همانا من برای تکمیل والائی‌های اخلاق برانگیخته شده‌ام.) مکارم اخلاقی برای مدیر به منزله مشاوری آگاه و معاونی آشناست که در کلیه عرصه‌های مدیریت بویژه در هنگام مواجهه با مشکلات و نابسامانی‌هایار و مددکار اوست. آثار و برکات حسن خلق در مدیریت: آراستن قدرت مدیریت و رهبری به خوش خلقی و مکارم اخلاقی، کاری مدبرانه است که دارای آثار و برکات فراوانی است که در اینجا با استناد به سخنان پیشوایان دین به بخشی از آنها می‌پردازیم:

1- حسن خلق همچون دژی پولادین از کیان مدیریت صیانت می‌کند. حضرت علی (ع) می‌فرماید: نیکو سیرتی زینت قدرت و دژ حکومت است.

2- حسن خلق مایه تحکیم روط اجتماعی بر پایه مهر و محبت می شود . پیامبر (ص می فرماید : « اخلاق نیک ، دوستی و محبت را تحکیم می بخشد »

3- حسن اخلاق سبب عمران و آبادی شهرها و طولانی شدن عمر می شود.

4- حسن اخلاق مایه عزت و سربلندی است.

2- دلسوزی : دلسوزی : « خُدِ الْعَفْوَ وَ أَمْرٌ بِالْعُرْفِ وَ أَعْرِضْ عَنِ الْجَهْلِينَ » «با آنها مدارا کن و عذرشان را بپذیر و به نیکها دعوت نما و از جاهلان روی بگردان» در این آیه سه قسمت از وظایف رهبران و مبلغان بصورت خطاب به پیامبر آمده و در آغاز می گوید : « در طرز رفتار با مردم سختگیر مباش و با آنها مدارا کن ، عذرشان را بپذیر ، و بیش از آنچه قدرت دارند از آنها نخواه.» راه پیروزی بر این مشکل گلاویز شدن با جاهلان نیست ، بلکه بهترین راه تحمل و حوصله ، نادیده گرفتن و نشنیده گرفتن اینگونه کارهاست ، تجربه نشان می دهد برای بیدار ساختن جاهلان و خاموش کردن آتش خشم و حسد و تعصبشان این بهترین راه است.

« فَلَعَلَّكَ بَاخِعٌ نَفْسِكَ عَلَىٰ آثَارِهِمْ إِنْ كُنْتُمْ يُؤْمِنُونَ بِهَذَا الْحَدِيثِ أَسَفًا » (سوره كهف - آیه ۶)

در آیه فوق به یکی از مهمترین شرایط رهبری که همان دلسوزی نسبت به امت اشاره کرده می گوید : « گوئی تو می خواهی جان خود را بر باد دهی و خویشتن را از شدت اندوه هلاک کنی که چرا به این کتاب آسمانی ایمان نمی آوری؟ »

3- تقوا « یا ایها الذین آمنوا ان تتقوا الله يجعل لکم فرقاناً و یُکَفِّرْ عَنْکُمْ سِیِّئَاتِکُمْ و یرَغْفِرْ لکم والله ذو الفضل العظیم »

ای کسانی که ایمان آورده اید اگر از (مخالف فرمان) خدا بپرهیزید برای شما وسیله ای برای جدایی حق از باطل قرار می دهد (و روشن بینی خاصی که در پرتو آن حق

را از باطل خواهید شناخت) و گناهان شما را می پوشاند و شما را می آمرزد و فضل و بخشش عظیم دارد.

در این آیه اشاره به اهمیت تقوا و آثار آن در سرنوشت انسان می کند در این آیه چهار ثمره برای تقوا و پرهیزکاری بیان شده است . اما مطلب مهمی که باید جداً به آن توجه داشت و مانند بسیاری دیگر از مفاهیم سازنده اسلامی در میان مسلمانان دستخوش تحریف شده بسیارند کسانی که خیال می کنند آدم با تقوا کسی است که زیاد لباس و بدن خود را آب بکشد و همه کس و همه چیز را نجس یا مشکوک بداند و در مسائل اجتماعی انزوا در آید و دست به سیاه و سفید نزند و در برابر هر مسئله ای سکوت اختیار کند ، اینگونه تفسیرهای غلط برای تقوی و پرهیزکاری در واقع یکی از عوامل انحطاط جوامع اسلامی محسوب می گردد.

4-تواضع و فروتنی زینت مدیریت : تواضع آن شکسته نفسی است که مانع از بهتر دانستن خود از دیگری می شود . و نیز معنای آن است که انسان ، خود را از کسانی که در جاه و مقام از او پایین ترند ، برتر نداند و نیز به معنای شکسته نفسی و افتادگی آمده است که آدمی خود را از دیگران بالاتر نبیند . انسانهای متواضع به مثابه درختان پرباری هستند که هر مقداری که میوزیادتری آورند افتادگی و تواضعشان بیشتر می شود . بعنوان مثال پیامبر الهی و ائمه معصومین (ع) از نظر علم و فضیلت ، سخاوت و شجاعت ، عصمت ، و عدالت و مجموعه خصلت های ارزشمند معنوی سر آمد همه انسانهای جهان می باشند ، در تواضع و فروتنی به همان مقدار از دیگران قرار دارند .

آثار تواضع : برخورد متواضعانه در کل جامعه بویژه در حوزه های مدیریتی دارای آثار و فواید گرانقدری است که می تواند مدیر را نیل به اهداف مورد نظر یاری نماید . تواضع : (سوره قصص آیه ۷۷) در آیه فوق بنی اسرائیل به قارون چهار اندرز پرمایه می دهند : نصیحت اول : نخست می گویند « در آنچه خدا به تو داده است سرای

آخرت را جستجو کن» « و ابتغ یما اتاک الله الدار الآخرة» در آیه فوق اشاره به اینکه مال و ثروت برخلاف پندار بعضی از کج اندیشان چیز بدی نیست مهم آن است که ببینیم در چه راهی به کار می افتد.

نصیحت دوم: « سهم و بهره ات از دنیا را فراموش مکن» « و لا تنس نصیبک من الدنیا» این یک واقعیت است که هر انسان سهم و نصیب محدودی از دنیا دارد یعنی اموالی که جذب بدن او یا صرف لباس او می شود مقدار معینی است و مازاد بر آن به هیچ وجه قابل جذب نیست و انسان باید این حقیقت را فراموش نکند. نصیحت سوم: « همانگونه که خدا به تو نیکی کرده است تو هم نیکی کن» (و احسن کما احسن الله الیک) این نیز یک واقعیت است که انسان همیشه ، چشم بر احسان خدا دوخته و از پیشگاه او هر گونه خیر و نیکی را تقاضا کند . نصیحت چهارم اینکه « نکند که این امکانات مادی تو را بفریبد و آن را در راه « فساد» به کار گیری در این جمع بندی به اینجا می رسیم که این اندرزگویان در مرحله نخست سعی کردند غرور قارون را در هم بشکنند و در مرحله دوم اخطار نمودند که دنیا وسیله است نه هدف . و در مرحله سوم به او هشدار دادند که ار آنچه داری تنها بخش کمی می توانی مصرف کنی . و در مرحله چهارم این حقیقت را به او گوشزد کردند که فراموش نکن خداوند به تو نیکی کرده تو هم باید نیکی کنی وگرنه مواهبش را از تو خواهد گرفت.

5-امانتداری: « وَ قَالَ الْمَلِكُ اَتُوْنِیْ بِهٖ ؕ اَسْتَخْلِصْهُ لِنَفْسِیْ فَلَمَّا كَلَّمَهُ وَ قَالَ اِنَّكَ الْیَوْمَ لَدَیْنَا مَكِیْنٌ اٰمِیْنٌ»

ملک (پادشاه مصر) گفت: او (یوسف) را نزد من آورید تا وی را مخصوص خود گردانم هنگامی که (یوسف) نزد وی آمد و با او صحبت کرد ملک به عقل و درایت او پی برد وگفت تو امروز نزد ما منزلت عالی داری و مورد اعتماد هستی) در شرح زندگی حضرت یوسف این پیامبر بزرگ معلوم شد که این زندانی بی گناه کانونی است از علم و آگاهی « هوشیاری» و استعداد مدیریت در یک سطح بسیار عالی است ، چرا که در

ضمن تعبیر خواب «ملک» (سلطان مصر) راه نجات از مشکلات پیچیده اقتصادی آینده را نیز به آنها نشان داد.

«یا ایها الذین آمنوا لا تخونوا الله و الرسول و تخونوا امنکم و انتم تعلمون» «ای کسانی که ایمان آورده اید به خدا و پیامبر خیانت نکنید. و (نیز) در امانات خود خیانت روا مدارید در حالی که متوجهید و می دانید». در نخستین آیه خداوند روی سخن خود را به مؤمنان کرده و می گوید:

ای کسانی که ایمان آورده اید به خدا و پیامبر خیانت نکنید. خیانت به خدا و پیامبر آن است که اسرار نظامی مسلمانان را در اختیار دیگران بگذارند و یا دشمنان را در مبارزه خود تقویت کنند و یا بطور کلی واجبات و محرمات و برنامه الهی را پشت سر بيفکنند. امانت گرچه معمولاً به امانتهای مالی گفته می شود ولی در منطق قرآن مفهوم وسیعی دارد که تمام شئون زندگی اجتماعی و سیاسی و اخلاقی را دربر میگیرد، لذا در حدیث وارد شده که «المجالس بالامانه» (گفتگوهایی که در جلسه خصوصی می شود امانت است)

۶- بی اعتنایی به مادیات و پاداش: هود می گوید من هیچگونه پاداشی از شما نمی خواهم تا گمان نکنید فریاد فریاد و جوش و خروش من برای رسیدن به مال و مقام است، تنها اجر و پاداش من بر آن کسی است که مرا آفریده است و به من روح و جسم بخشیده و در همه چیز مدیون او هستم همان خالق و رازق من. رهبران راستین پاداشی از پیروان نمی طلبند؛ یک پیشوای واقعی در صورتی می تواند دور از هر گونه اتهام و در نهایت آزادی به راه خود ادامه دهد، و هر گونه انحراف و کجروی را در پیروانش اصلاح کند که وابستگی و نیاز مادی به آنها نداشته باشد، وگرنه همان نیاز زنجیری خواهد شد بر دست و پای او قفل و بندی بر زبان و فکر او این سر مشقی است برای رهبران مخصوصاً رهبران روحانی و مذهبی منتها چون بالاخره آنها که تمام وقت در خدمت اسلام و مسلمین هستند باید به طرز

صحیحی نیازهایشان تأمین شود تهیه صندوق کمک و بیت المال اسلامی برای رفع نیازمندیهای این گروه است که یکی از فلسفه های تشکیل بیت المال در اسلام همین می باشد.

۷- 7- دارای بصیرت: «بصائر» جمع بصیرت به معنای بینائی است و در این جا منظور آیات و دلائلی است که موجب روشنایی قلب مؤمنان می شود. هدایت و رحمت نیز از لوازم این بصیرت است و به دنبال آن تذکر و بیداری دلها آماده. 8- صبر و شکیبایی: (و جعلنا منهم ائمةً یهدونَ بآرنا لَمَّا صَبَرُوا و کانوا بآیاتنا یوقنون) (و از آنها امامان و پیشوایانی برگزیدیم که به فرمان ما (مردم را) هدایت کردند بخاطر اینکه شکیبایی نمودند و به آیات ما یقین داشتند) در آیه فوق به افتخاراتی که نصیب بنی اسرائیل در سایه استقامت و ایمان شد اشاره می کند تا درسی برای دیگران باشد، می فرماید: « و خدا را بر عهده گرفتند زیرا آنها شکیبایی کردند و به آیات ما یقین داشتند » در این جا رمز پیروزی و شرط پیشوایی و امامت را دو چیز شمرده: یکی ایمان و یقین به آیات الهی، و دیگری به صبر و استقامت و شکیبایی.

۸- «شکیبایی و استقامت رهبران الهی»: این صبر و شکیبایی شاخه های زیادی دارد: گاه در مقابل مصائبی است که به شخص انسان می رسد گاه در برابر آزادی است که به دوستان و هواخواهان می دهند. و گاه در مقابل بدگوئیها و پرزبانی هایی است که نسبت به مقدسات او دارند. گاهی از ناحیه کج اندیشان است. گاهی از سوی بداندیشان است، گاه از سوی جاهلان نادان، گاه از سوی آگاهان بدخواه، خلاصه یک رهبر آگاه در برابر همه این مشکلات و غیر اینها باید شکیبایی و استقامت کند، هرگز از میدان حوادث در نرود، بیتابی و جزع نکند، زمام اختیار را از دست ندهد، مأیوس نگردد، مضطرب و پریشان نشود، تا به هدف بزرگ خود نائل گردد.

۹- صدقت : « قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُ الْوَاحِدُ فَمَن كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا » (بگو من فقط بشری هستم همچون شما (امتیازم این است که) به من وحی می شود که معبود شما تنها یکی است ؛ پس هر کس به امید لقای پروردگارش را دارد باید عمل صالح انجام دهد ، و کسی را در عبادت پروردگارش شریک نکند) این آیه مجموعه ی است از اصول اساسی اعتقادات دینی ، یعنی توحید و معاد و رسالت پیامبر (نبوت) و در واقع همان چیزی است که آغاز سوره کهف نیز با آن بوده است ، چرا که در آغاز نیز سخن از الله و وحی و پاداش عمل و قیامت بوده و از یک نظر عصاره و فشرده ای است از مجموعه این سوره که قسمت مهمی از آن بر محور این سه موضوع دور می زد و از آنجا که مسأله نبوت در طول تاریخش با انواع غلو و مبالغه بوده است .

اخلاص یا روح عمل صالح : در روایات اسلامی به مسأله نیت اهمیت فوق العاده ای داده شده است و اصلاً برنامه اسلام این است که هر عملی را با رنگ نیت و انگیزه آن می پذیرد حدیث معروف پیامبر « لا عمل الا بالنیة » را همه شنیده ایم بیانگر همین حقیقت است . عمل خالص تا آن حد در اسلام مورد اهمیت است که در حدیثی از پیامبر اکرم (ص) می خوانیم « و من اخلاص الله اربعین يوماً فجر الله اربعین يوماً فجر الله ینابیع الحکمة من قلبه علی لسانه » (کسی که چهل روز اعمال خود را خالصانه انجام دهد ، خداوند چشمه های حکمت و دانش را از قلبش بر زبانش می گشاید)

۱۰- 10- شرح صدر مهمترین ابزار مدیریت : قال رب اشرح لی صدري عرض کرد پروردگارا سینه مرا گشاده دار (آیه ۲۵ سوره طه) حضرت موسی (ع) نه تنها از چنین مأموریت سنگینی (ابلاغ فرمان الهی به فرعون) وحشت نکرد ، حتی کمترین تخفیفی از خداوند نخواست ، بلکه با آغوش باز از آن استقبال نمود ، منتهی وسائل پیروزی در این مأموریت را از خدا خواست . و از آنجا که نخستین

وسيلهٔ پیروزی روح بزرگ ، فکر بلند و عقل توانا و به عبارت دیگر گشادگی سینه است « عرض کرد پروردگار من سینه مرا گشاده بدار » (قال رب اشرح لی صدري)
۱۱- مفهوم شرح صدر : هرگاه بخواهیم شرح صدر را معنا کنیم باید بگوییم کسی که «ظرفیت» لازم را در برخورد با مسائل گوناگون داشته باشد دارای سعهٔ صدر می باشد بعنوان مثال 1- در مواجهه با قدرت و مقام خود را نبازد. ۲- در هنگام هجوم مصائب و مشکلات در عرصهٔ مدیریت ، توان و گنجایش پذیرش سختی ها ؛ نامالیقات و رنجها را داشته باشند . ۳- قدرت عصیان علیه باطل و توان تسلیم در برابر حق را دارا باشد.

۱۲- از دیدگاه قرآن «شرح صدر» مایهٔ هدایت و «ضیق صدر» عامل گمراهی انسان است و خداوند آن کسی را که بخواهد گمراه نماید ، سینه جانش را تنگ می گرداند تا قدرت و توانایی رسیدن به قلهٔ کمال را نداشته باشد . شرح صدر موهبتی است که به هنگام بعثت پیامبران از جان خداوند به آنان عطا می گردد . زیرا بدون «شرح صدر» بر مسند مدیریت امت اسلامی نمی توان تکیه کرد و مشکلات طاقت فرسای هدایت را بدون این موهبت الهی نتوان تحمل نمود.

جلوه های شرح صدر : شرح صدر دارای جلوه ها و مظاهر گوناگونی همچون صبر ، حلم ، شجاعت ، سکینهٔ قلب ، امید و خستگی ناپذیری ، و همچنین ضیق صدر دارای جلوه هایی همچون ترس ، تزلزل ، یأس ، اضطراب و نگرانی می باشد بعضی از انسانها روح و دلشان بقدری کوچک است که با احساس کمترین قدرت و ریاستی ، تعادل روحی آنها بهم خورده و در فراز و نشیب های مسئولیتی خویش ، متانت ، وقار و بردباری را از دست داده و با اندک موفقیتی شاد و با کوچکترین شکستی غمگین و پژمرده و ناامید گردیده و خود را گم می کنند و در نتیجه از درک مسائل و مشکلات پیرامون خود غافل می شوند.

۱۳- ویژگیهای مدیریتی مدیر نمونه در قرآن

۱۴- یک مدیر در ارتباط با مدیریت باید کسی باشد که از متن جامعه برخاسته و در تمام امور به حقوق و شخصیت دیگران احترام بگذارد و خود عامل دستوراتی باشد که می خواهد به مردم بگوید. پس یک مدیر نمونه باید برای اداره قلمرو مدیریتی خود دارای صفات عالیّه ذیل باشد:

۱۵- 1- قاطعیت ۲- خستگی ناپذیری ۳- پرهیز از ریاست طلبی ۴- اطاعت از مدیران موفق و رعایت سلسله مراتب اداری 5- داشتن علم و آگاهی ۶- مصمم بودن ۷- پیشگامی در امور مربوط به مکتب خویش 8- مشورت در کارها ۹- درک ناراحتی های شخصی زیردستان ۱۰- قدرت تشویق و تنبیه ۱۱- انتخاب معاونان شایسته و قابل ۱۲- دادن آزادی بحث و انتقاد به نیروهای زیردست ۱۳- عدالت ۱۴- آگاهی از عملکرد افراد ۱۵- قدرتمندی.

۱۶- 1- قاطعیت: **انْ نَقُولُ اِلَّا اعترُكْ بَعْضُ الْهَتْنَا بِسُوءٍ قَالَ اِنِّي اَشْهَدُ اللّٰهَ وَ اَشْهَدُ اَنِي بَرِي مِمَّا تُسْرِكُونَ** (سوره هود آیه ۵۴) (بت پرستان گفتند: «ما فقط (درباره تو) می گوئیم بعضی از خدایان ما به تو زیان رسانده (و عقلت را ربوده اند) نوح گفت: من خدا را به شهادت می طلبم شما نیز گواه باشید که من از آنچه که شریک (خدا) قرار می دهید بیزارم) هود گفت: سنگ و چوبهای بی جان و بی شعور که نیاز به حمایت بندگان خود دارند، چگونه می توانند عقل و شعور را از انسان عاقلی بگیرند.

۱۷- 2- خستگی ناپذیری:

۱۸- سرانجام «هود» در آخرین سخن به آنها چنین می گوید: «اگر شما از راه حق روی برتایید

۱۹- به من زبانی نمی رسد، چرا که من رسالت خویش را به شما ابلاغ کردم» (فان تولوا فقد ابلغتکم ما ارسلت به الیکم) اشاره به این که گمان نکنید اگر دعوت پذیرفته نشود برای من شکست است، من انجام وظیفه کردم انجام وظیفه، پیروزی است هر چند دعوتم مورد قبول واقع نشود و این درسی است برای همه

رهبران راستین و پیشوایان راه حق ، که هرگز از کار خود احساس خستگی و نگرانی نکنند ، هر چند مردم دعوت آنان را پذیرا نشوند.

3- پرهیز از ریاست طلبی :

۲۰- آنچه سبب محرومیت انسان از مواهب سرای آخرت می شود در حقیقت همین دواست ، برتری جویی (استکبار) « فساد در زمین » که همه گناهان در آن جمع است چرا که هر چه خدا از آن نهی کرد. حتماً برخلاف نظام آفرینش انسان و تکامل وجود بوده است بنابراین ارتکاب آن نظام زندگی او را بر هم می زند لذا مایه فساد در زمین است در شرح حال و سرنوشت قارون دیدیم آنچه مایه بدبختی و هلاکت و نابودی او شد همان استکبار و برتری جوئی بود.

4- اطاعت از پیامبران بالاتر:

۲۱- ای کسانی که ایمان آورده اید اطاعت خدا را و اطاعت کنید پیامبر خدا و الوالامر (اوصیای پیامبر) را و هرگاه در چیزی نزاع داشتید، آن را به خدا و پیامبر بازگردانید و (از آنها داوری بطلبید) اگر به خدا و روز رستاخیز ایمان دارید ، این (کار) شما بهتر است اگر بهتر ، و عاقبت و پایانش نیکوتر است .
این آیه و چند آیه بعد این سوره درباره یکی از مهمترین مسائل اسلامی ، یعنی مسأله رهبری بحث می کند و مراجع واقعی مسلمین را در مسایل مختلف دینی و اجتماعی مشخص می سازد.

۲۲- نخست به مردم با ایمان دستور می دهد از خداوند اطاعت کنند بدیهی است برای یک فرد با ایمان همه اطاعتها باید به اطاعت پروردگار منتهی شود ، و گرنه رهبری باید از ذات او سرچشمه گیرد و طبق فرمان او باشد ، زیرا حاکم و مالک تکوینی جهان هستی او است ، هر گونه حاکمیت و مالکیت باید به فرمان او باشد.

5- علم و آگاهی:

۲۳- و لقد آتینا داود و سلیمان علماً و قال الحمد لله الذی فضلنا علی کثیر من عباده

المؤمنین

۲۴- (سوره نمل آیه ۱۵) ما به داود و سلیمان علم قابل ملاحظه ای بخشیدیم ، و آنها گفتند حمد از آن خداوندی است که ما را بر بسیاری از بندگان مؤمنش برتری بخشید . در آیات فوق روشن است که «علم» در اینجا معنی گسترده و وسیعی که علم و توحید و اعتقادات مذهبی و قوانین دینی و همچنین علم قضاوت و تمامی علمی را که برای تشکیل چنان حکومت وسیع و نیرومندی لازم بوده است در بر می گیرد زیرا تأسیس یک عدل و داد ، حکومتی آباد و آزاد بدون بهره گیری از یک علم سرشار امکان پذیر نیست ، و به این ترتیب قرآن مقام علم را در جامعه انسانی و در تشکیل حکومت بعنوان نخستین سنگ زیر بنا مشخص ساخته است بلافاصله بعد از بیان موهبت بزرگ علم سخن از شکر به میان آمده تا روشن هر نعمتی را شکری لازم است .

۲۵- 6-مصصم بودن:

۲۶- در راه خدا پیکار کن ، تنها مسئول وظیفه خود هستی ، و مؤمنان را (بر این کار) تشویق نما ، امید است خداوند از قدرت کافران جلوگیری کند (حتی اگر تنها خودت به میدان روی) و خداوند قدرتش بیشتر و مجازاتش دردناکتر است . به دنبال آیات مربوط به جهاد ، دستور فوق العاده ای در این آیه به پیامبر داده شده است که او موظف است به تنهایی در برابر دشمن بایستد ، حتی اگر هیچکس همراه او گام به میدان نگذارد ! زیرا او تنها مسئول وظیفه خویش است و در برابر سایر مردم تکلیفی جز تشویق و دعوت به جهاد ندارد .

7-پیشگامی در امور مربوط به مکتب خویش:

«قُلْ اِنِّیْ اِخَافُ عِصْیَ رَبِّیْ عَذَابَ یَوْمٍ عَظِیْمٍ» بگو من (نیز) اگر نافرمانی پروردگارم را کنم از عذاب آن روز بزرگ (رستاخیز) می ترسم . شأن نزول آیات فوق را چنین نقل کرده اند : جمعی از اهل مکه خدمت پیامبر آمدند و گفتند : ای محمد تو آئین قوم خود را ترک گفتی و می دانیم که این کار عاملی جز فقر ندارد ما حاضریم اموال خود را با تو تقسیم کنیم و تو را کاملاً ثروتمند نمائیم تا دست از

خدایان ما برداری و به آیین اصلی ما بازگردی . آیات فوق نازل شد و به آنها پاسخ گفت و این در حقیقت اشاره به یک مطلب مهم تربیتی نیز می باشد که هر رهبری باید در انجام دستورات مکتب خود از همه افراد پیش قدم تر باشد ، او باید اولین مؤمن به آئین خویش و نخستین عمل کننده ، کوشاترین فرد ، و فداکارترین شخص در برابر مکتب خود باشد.

۲۷- -8 مشورت در کارها:

۲۸- (و شاورهم فی الامر) این دستور به خاطر آن است که پیامبر (ص) همانطور که اشاره کردیم قبل از آغاز جنگ « احد » چگونگی مواجهه با دشمن با یاران خود مشورت کرد و نظر اکثریت بر این شد که اردوگاه ، دامنه احد باشد و دیدیم که این نظر ، محصول رضایت بخشی نداشت . در اینجا این فکر به نظر بسیاری می رسید که در آینده پیامبر نباید با کسی مشورت کند . قرآن به این طرز فکر پاسخ می گوید و دستور می دهد باز هم با آنها مشورت کن هر چند نتیجه مشورت در پاره ای از موارد سودمند نباشد.

۲۹- -9 درک ناراحتی های زیر دستان:

۳۰- وَ وَجَدَكَ ضَالًّا فَهَدَى : و تو را گم شده یافت و هدایت کرد .
وَ وَجَدَكَ عَائِلًا فَأَغْنَى : و تو را فقیری یافت و بی نیاز کرد .
هدف در این سوره تسلی و دلداری پیامبر اسلام و بیان الطاف الهی نسبت به آن حضرت است ، در آیات فوق نخست به ذکر سه موهبت از مواهب خاص الهی به پیامبر اکرم پرداخته ، و سپس سه دستور مهم در همین رابطه به او می دهد . منظور آیه این است که خداوند تو را در شرافت و فضل بی مانند یافت لذا تو را برگزید و مقام نبوت بخشید زیرا بعضی از مفسران این معنی را برای آیه گفته اند که با ظاهر آن سازگار نیست ، از جمله اینکه منظور از یتیم کسی است که در شرافت و فضیلت مثل و مانند ندارد ، همانگونه که گوهر بی نظیر را «در یتیم» گویند.

۳۱- 10- قدرت تشویق و تنبیه:

۳۲- ذوالقرنین گفت « اما کسانی که ستم کرده اند آن ها را مجازات خواهیم کرد »
(قال اما من ظلم) (سپس به سوی پروردگارش باز می گردد و خداوند او را عذاب شدیدی خواهد نمود) این ظالمان و ستمگران هم مجازات این دنیا را می چشند و هم عذاب آخرت را . و اما کسی که ایمان آورد و عمل صالح انجام دهد پاداش نیکو خواهد داشت.

۳۳- 11- انتخاب معاونان شایسته:

۳۴- « ما اَشْهَدُهُمْ خَلْقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَ لَمْ يَخْلُقْ أَنْفُسَهُمْ وَ مَا كُنْتُ مَتَّخِذَ الْمُضِلِّينَ عَضُدًا » (من آنها را به هنگام آفرینش آسمانها و زمین حاضر نساختم ، و نه هنگام آفرینش نوع خودشان ، من همراه کنندگان را دستیار خود قرار نمی دهم .
در آیه فوق می گوید « ما ابلیس و فرزندانش را به هنگام آفرینش آسمانها و زمین و حتی به هنگام آفرینش نوع خودشان در صحنه حاضر نساختم . بنابراین کسی که هیچگونه دخالتی در آفرینش جهان و حتی نوع خود نداشته و از اسرار به هیچ وجه آگاه نیست چگونه قابل ولایت یا پرستش است ، و اصولاً او چه قدرتی دارد و چه نقشی می تواند داشته باشد.

۳۵- 12- دادن آزادی بحث و انتقاد به نیروها:

۳۶- « هدهد » گویا آثار خشم را در چهره سلیمان مشاهده کرد و برای برطرف کردن ناراحتی او نخست بصورت کوتاه و سربسته خبر از مطلب مهمی داد که حتی سلیمان با تمام علم و دانشش از آن آگاهی ندارد و هنگامی که خشم سلیمان فرونشست ، به شرح آن پرداخت قابل توجه اینک : لشکریان سلیمان حتی پرندگانی که مطیع فرمان او بودند آنقدر عدالت سلیمان به آنها آزادی و امنیت و جسارت داده بود که هدهد بدون ترس و بی پرده و با صراحت به او می گوید : من به چیزی آگاهی یافتم که تو از آن آگاه نیستی .
13- عدالت:

۳۷- خداوند به شما فرمان می دهد که امانت را به صاحبانشان بدهید. و هنگامیکه میان مردم داوری می کنید ، به عدالت داوری کنید . خداوند اندرزهای خوبی به شما می دهد خداوند ، شنوا و بیناست .

۳۸- 14- آگاهی از عملکرد افراد:

۳۹- ما باد را مسخر او (سلیمان)ساختیم تا مطابق فرمانش به نرمی حرکت کند و به هر جا که او می خواهد برود و شیاطین را مسخر او ساختیم ، هر بناء و غواصی از آنها حقایقی که داستان سلیمان به ما می آموزد .
الف) داشتن یک حکومت نیرومند با امکانات مادی فراوان اقتصاد گسترده و تمدن درخشان هرگز منافاتی با مقاومت معنوی و ارزشهای الهی و انسانی ندارد .
ب) برای اداره یک کشور آباد هم وسیله ارتباطی سریع لازم است و هم به کار گرفتن نیروهای مختلف و هم جلوگیری از نیروهای مخرب ، هم توجه به مسائل عمرانی و هم تولید سرمایه از طریق استخراج منابع مختلف .
ج) از نیروها باید حداکثر استفاده را کرد و حتی شیاطین را بطور کامل نباید حذف کرد ، بلکه آنها را که قابل توجه و ارشادند در مسیر صحیح به کار گرفت .
15-قدرتمندی:

۴۰- بدیهی است منظور از قدرت تنها قدرت جسمانی نیست ، بلکه مراد قدرت و قوت بر انجام مسئولیت است یک مدیر قوی کسی است که حوزه مأموریت خود را بخوبی بشناسد ، از « انگیزه ها » با خبر باشد ، در « برنامه ریزی » مسلط و از ابتکار سهم کافی و در « تنظیم کارها » مهارت لازم را داشته باشد . هدفها را روشن کند و نیروها را برای رسیدن به هدف بسیج نماید . در عین حال دلسوز و خیر خواه و درستکار باشد .

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

آنچه از قرآن مجید درباره مدیریت نتیجه میگیریم روشن می‌شود که قرآن کتابی هستی بخش و هدایت روحی و معنوی، دنیوی و اخروی انسانها است و چون که مدیریت با انسان سر و کار دارد، قرآن کریم یک کتاب کامل راهنما از بعد هدایت و رهبری و مدیریت انسانی و آنچه گفته شد فقط مختصری از دریای بیکران معارف الهی بود که جای تحقیق و پژوهش بسیار دارد. در قرآن کریم و نهج البلاغه درباره بسیاری دیگر از روشهای هدایتگر سخن به میان آمده است، از جمله آنچه در این مقاله مورد بررسی قرار گرفته است درباره ویژگی‌های مشاوران، توجه به مهارت و علاقه شخصی کارکنان، خلاقیت، ریسک‌پذیری، توجه به سابقه افراد، احتمالات در برنامه‌ریزی، یادآوری اهداف، درستکاری، میانه روی در هزینه، دفع تهدیدها، لغزش مدیران عالی، دوری از وعده‌دادن، کیفیت کار و ... پرداخته است که می‌تواند چراغ راه زندگی انسانها و بخصوص مدیران اسلامی باشد. پس کلام آخر آنکه: "قرآن کریم کتاب رهبری و هدایت و مدیریت دنیا و آخرت تمام انسانها می‌باشد که اطاعت از آن سعادت دنیوی و اخروی را در پی خواهد داشت.

فهرست منابع:

قرآن کریم

نهج البلاغه

سیدرضی، محمد بن حسین بن موسی، نهج البلاغه؛ تحقیق: صبحی صالح، دارالأسوه، بیروت، ۱۴۱۵ق.

جعفری، محمد تقی، ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۷۶، چ هفتم

جوادی آملی، عبدالله، تفسیر موضوعی قرآن کریم، (حیات حقیقی انسان در قرآن)، مرکز نشر اسراء، قم، ۱۳۷۳ ش

همو، حق و تکلیف در اسلام، تحقیق و تنظیم مصطفی خلیلی، ویرایش حسین شفیعی، مرکز نشر اسراء، قم، ۱۳۸۴.

خاکی، غلامرضا، روش تحقیق در مدیریت، مرکز انتشارات علمی دانشگاهی آزاد اسلامی، بی جا، ۱۳۸۴ ش.

خمینی، روح الله، شرح دعای سحر؛ مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره)، تهران، ۱۳۸۱ ش، چ دوم.

رابینز، اسیفن، تئوری سازمان، ترجمه سید مهدی الوانی و حسد دانائی فرد، چاپخانه خوشه، بی جا، ۱۳۷۶ ش.

رشید رضا، محمد، تفسیر المنار، دار المنار، قاهره، ۱۳۷۳ ق، چ چهارم.

رضایی اصفهانی، محمدعلی، روش تحقیق در تفسیر و علوم قرآن، مرکز جهانی علوم اسلامی، قم، ۱۳۸۶ ش.

- همو، در آمدی بر تفسیر علمی قرآن کریم، سازمان اوقاف و امور خیریه، انتشارات اسوه، تهران، ۱۳۸۳.
- رضی الدین علی بن موسی، ابن طاووس، اقبال الاعمال، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۹۰ ق، چ دوم.
- زرقانی، محمد عبدالعظیم، مناهل العرفان فی علوم القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۱۶ ق، چ اول.
- زرکشی، محمد بن عبدالله، البرهان فی علوم القرآن، به کوشش یوسف مرعشلی، دارالمعرفه، بیروت، ۱۴۱۵ ق، چ دوم.
- زمخشری، محمود بن عمر، الکشاف، بلاغت، قم، ۱۴۱۵ ق، چ دوم.
- شرف الدین، حسین، ماهیت و چیستی نظریه، (جزوه منتشر نشده)، ۱۳۸۶.
- طنطاوی بن جوهری، الجواهر فی تفسیر القرآن الکریم، به کوشش احمد سعدعلی، مؤسسه مصطفی بابی حلبی، قاهره، ۱۳۵۵ ق، چ اول.
- قرطبی، محمد بن احمد انصاری، تفسیر قرطبی، دارالفکر، بیروت، ۱۴۱۵ ق.
- قیصری، داود بن محمود، شرح فصوص الحکم، تحقیق؛ دارالاعتصام، منشورات انوار الهدی، قم، ۱۴۱۶ ق، چ اول.
- مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۳ ق، چ سوم.
- مصباح یزدی، محمدتقی، قرآن شناسی، به کوشش محمود رجبی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، ۱۳۷۶ ش، چ اول.
- هومن، حیدرعلی، شناخت روش علمی در علوم رفتاری، چاپخانه آزمون، تهران، ۱۳۷۶ ش، چ سوم.

سید رضی، محمد بن حسین بن موسی، نهج البلاغه؛ تحقیق: صبحی صالح، دارالأسوه، بیروت، ۱۴۱۵ق.

جعفری، محمد تقی، ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۷۶، چ هفتم.
جوادی آملی، عبدالله، تفسیر موضوعی قرآن کریم، (حیات حقیقی انسان در قرآن)، مرکز نشر اسراء، قم، ۱۳۷۳ ش.

همو، حق و تکلیف در اسلام، تحقیق و تنظیم مصطفی خلیلی، ویرایش حسین شفیعی، مرکز نشر اسراء، قم، ۱۳۸۴.

خاکی، غلامرضا، روش تحقیق در مدیریت، مرکز انتشارات علمی دانشگاهی آزاد اسلامی، بی جا، ۱۳۸۴ ش.

خمینی، روح الله، شرح دعای سحر؛ مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره)، تهران، ۱۳۸۱ ش، چ دوم.

رابینز، اسیفن، تئوری سازمان، ترجمه سید مهدی الوانی و حسد دانائی فرد، چاپخانه خوشه، بی جا، ۱۳۷۶ ش.

رشید رضا، محمد، تفسیر المنار، دار المنار، قاهره، ۱۳۷۳ ق، چ چهارم.

رضایی اصفهانی، محمدعلی، روش تحقیق در تفسیر و علوم قرآن، مرکز جهانی علوم اسلامی، قم، ۱۳۸۶ ش.

همو، درآمدی بر تفسیر علمی قرآن کریم، سازمان اوقاف و امور خیریه، انتشارات اسوه، تهران، ۱۳۸۳.